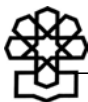
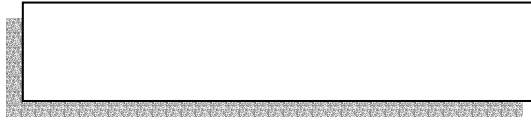
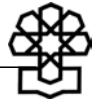


| | |
|----|--|
| ۳ | آشنایی با پارلمان لبنان..... |
| ۴ | مقدمه..... |
| ۶ | فصل اول - تاریخچه..... |
| ۸ | قانون و حکومت لبنان..... |
| ۸ | قانون اساسی..... |
| ۱۰ | میثاق ملی..... |
| ۱۰ | حامی پروری زعما..... |
| ۱۱ | فصل دوم - فرایند انتخابات و شکل‌گیری مجلس..... |
| ۱۱ | شرایط رأی‌دهندگان..... |
| ۱۲ | شرایط داوطلبان..... |
| ۱۲ | شرایط و نحوه اعلام نامزدی..... |
| ۱۲ | حوزه‌های انتخاباتی..... |
| ۱۳ | تنظیم فهرست‌های انتخاباتی..... |
| ۱۳ | زمان برگزاری انتخابات..... |
| ۱۴ | شعبه اخذ رأی..... |
| ۱۴ | نحوه اخذ رأی..... |
| ۱۵ | شمارش آرا و اعلام نتایج..... |
| ۱۵ | نظارت بر انتخابات..... |
| ۱۵ | فصل سوم - ساختار پارلمان و عملکرد آن..... |
| ۱۵ | مجلس ملی..... |
| ۱۶ | هیأت رئیسه مجلس..... |
| ۱۶ | اختیارات هیأت رئیسه مجلس..... |
| ۱۶ | رئیس مجلس..... |
| ۱۶ | نایب رئیس..... |
| ۱۶ | منشی‌ها..... |
| ۱۶ | سایر وظایف هیأت رئیسه..... |



| | |
|----|---|
| ۱۷ | تصویب اعتبارنامه نمایندگان..... |
| ۱۷ | نشست‌های مجلس..... |
| ۱۷ | کمیته‌های پارلمانی..... |
| ۱۸ | عملکرد کمیته‌های پارلمانی..... |
| ۱۸ | مرکز پژوهشی پارلمان..... |
| ۱۸ | فصل چهارم - اختیارات و صلاحیت‌های مجلس..... |
| ۱۹ | قانونگذاری در پارلمان لبنان..... |
| ۲۱ | بررسی بودجه..... |
| ۲۱ | مصونیت پارلمانی..... |
| ۲۲ | فصل پنجم - ابزارها و شیوه‌های نظارت پارلمان..... |
| ۲۲ | نظارت بر قوانین مصوب مجلس..... |
| ۲۳ | ساختار شورای قانون اساسی..... |
| ۲۳ | آیین رسیدگی در شورای قانون اساسی..... |
| ۲۳ | نظارت بر مطابقت قوانین با قانون اساسی..... |
| ۲۴ | نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری و رئیس مجلس ملی..... |
| ۲۴ | نظارت بر انتخابات مجلس..... |
| ۲۵ | فصل ششم - رابطه قوای مقننه و مجریه..... |
| ۲۵ | رابطه پارلمان با قوه مجریه..... |
| ۲۵ | رئیس جمهور..... |
| ۲۷ | نخست‌وزیر..... |
| ۲۷ | هیأت وزیران..... |
| ۲۹ | ابزار نظارت قوه مقننه..... |
| ۳۰ | رأی عدم اعتماد..... |
| ۳۰ | اعلام جرم..... |
| ۳۰ | بحث عمومی..... |
| ۳۱ | موانع نظارت قوه مقننه بر قوه مجریه..... |
| ۳۱ | فقدان اطلاعات کافی..... |
| ۳۱ | فقدان منابع انسانی..... |
| ۳۱ | روابط بین نمایندگان و قوه مجریه..... |
| ۳۲ | منابع و مآخذ..... |



: جمهوری لبنان

: بیروت

: ٢٢ نوامبر ١٩٤٣ (از زمان قیمومت جامعه ملل از فرانسه)

: از ٢٣ می ١٩٢٦ به اجرا درآمد

: جمهوری پارلمانی

: عربی و فرانسه

: پوند لبنان

: مطابق با سال میلادی

: پارلمان

: ١ مجلس ملی (مجلس النواب)

: ١٢٨ نفر

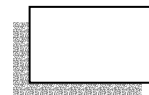
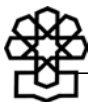
: ٤ ساله

: ٢١ سال

: ٢٥ سال

: همگانی و مستقیم

: اختیاری



لبنان یک دموکراسی پارلمانی است که مردم در آن براساس قانون اساسی حق تغییر حکومتشان را دارند، هر چند تا انتخابات پارلمانی سال ۱۹۹۲ مردم در طول ۱۶ سال جنگ داخلی قادر به اعمال این حق نبودند. طبق قانون اساسی، انتخابات مستقیم برای پارلمان هر ۴ سال یک بار انجام می‌گیرد. پارلمان به نوبه خود هر ۶ سال یک رئیس‌جمهور انتخاب می‌کند. آخرین انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۹۹۸ بود. رئیس‌جمهور و پارلمان کابینه را انتخاب می‌کنند. احزاب سیاسی نیز ممکن است در این راستا تشکیل شوند.

از ظهور دولت پس از سال ۱۹۴۳، سیاست‌های ملی به طور گسترده‌ای توسط گروه معدودی از رهبران فرقه‌ای و منطقه‌ای سنتی تعیین شد. میثاق ملی سال ۱۹۴۳ قدرت سیاسی را مطابق یک نظام فرقه‌گرایی^۱ مبتنی بر آمار سال ۱۹۳۲ تخصیص داد. تا سال ۱۹۹۰، کرسی‌های پارلمان براساس نسبت شش به پنج مسیحیان به مسلمانان تقسیم می‌شدند. مناصب در نظام اداری دولتی نیز بر همان اساس توزیع می‌شدند.

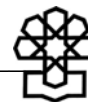
تلاش‌های مستمر برای تغییر یا الغای نظام فرقه‌ای تخصیص قدرت در کانون سیاست‌های لبنان بیش از ۳۰ سال به طول انجامید و سرانجام به تغییر پاره‌ای از اصول قانون اساسی مصوب ۱۹۲۶ منجر شد. از جمله مهم‌ترین این اصلاحات عبارت است از اصل ۹۵ که مقرر می‌دارد «جوامع فرقه‌ای لبنان باید به طور مساوی در مشاغل عمومی و در ترکیب کابینه نماینده داشته باشند؛ مشروط بر آن‌که چنین اقدامی به رفاه عمومی لطمه نزند». بنابراین میثاق ملی سال ۱۹۴۳ که توافقی غیرکتبی بود، جایگزین اصل ۹۵ قانون اساسی ۱۹۲۶ شد. این میثاق مقرر می‌داشت که مناصب عمومی باید بین گروه‌های مذهبی شناخته شده توزیع گردد و سه شغل مهم نیز در نظام‌های حکومتی باید به شرح ذیل توزیع شوند: رئیس‌جمهور باید یک مسیحی مارونی باشد، نخست‌وزیر یک مسلمان سنی (تخصیص کرسی‌های پارلمان به نسبت شش به پنج مسیحیان به مسلمانان) و رئیس مجلس ملی یک مسلمان شیعه. آن دسته از گروه‌های مذهبی که از فرمول سال ۱۹۴۳ بیش‌ترین بهره را می‌بردند به دنبال حفظ آن بودند، در حالی که آن‌هایی که خود را متضرر می‌دانستند؛ براساس آمار و اطلاعات به روز و جدید^۲ به دنبال تجدید نظر در آن یا الغای کامل آن بودند. این ستیز به سیاست‌های لبنان و به جنگ داخلی در کشور رنگ فرقه‌ای قوی بخشید.

به موجب موافقتنامه آشتی ملی که در اکتبر سال ۱۹۸۹ در طایف عربستان حاصل شد، اعضای پارلمان موافقت نمودند تا میثاق ملی را تغییر دهند تا یک توازن ۵۰-۵۰ بین مسیحیان و مسلمانان در پارلمان ایجاد شود. موافقتنامه طایف^۳ که جنبه‌های اصلاح سیاسی آن در سپتامبر ۱۹۹۰ به صورت قانون درآمد، قانون اساسی را بیش‌تر تعدیل نمود تا تقسیم قدرت بیش‌تری حاصل شود و بسیاری از مقررات میثاق ملی را به صورت کتبی درآورد.

1. Sectarianism

2. Update

3. The Taef Agreement



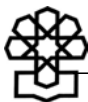
اصلاحات قانون اساسی متضمن اصلاحات سیاسی مذکور در موافقتنامه طایف در سال ۱۹۹۰ به صورت قانون درآمدند. این اصلاحات شامل افزایش تعداد کرسی‌های پارلمان، توزیع کرسی‌های به طور مساوی بین مسلمانان و مسیحیان و انتقال برخی اختیارات از رئیس‌جمهور به نخست‌وزیر و شورای وزیران بود. طبق قانون اساسی، رئیس‌جمهور یک وضعیت مقتدر و تأثیرگذار دارد. همچنین رئیس‌جمهور وزیران را انتخاب می‌کند و یکی از آن‌ها را به نخست‌وزیری برمی‌گزیند. اجرای قوانین و نیز مذاکره و تصویب معاهدات را داراست.

مجلس ملی توسط بزرگسالان و براساس نظام نمایندگی تناسبی برای گروه‌های فرقه‌ای کشور انتخاب می‌شود. اکثر نمایندگان - به مفهومی که در غرب شناخته شده - نماینده احزاب سیاسی نیستند و گروه‌هایی به شیوه غربی را نیز در مجلس تشکیل نمی‌دهند. دسته‌بندی‌های سیاسی معمولاً براساس منافع فرقه‌ای و محلی قرار دارند تا براساس وابستگی سیاسی.

مجلس به طور سنتی نقش مهمی را در امور مالی ایفا می‌کند، زیرا مسئولیت وضع مالیات و تصویب بودجه را برعهده دارد. همچنین مجلس نظارت سیاسی بر کابینه را از طریق پرسش رسمی از وزیران درخصوص موضوعات و از طریق درخواست رأی اعتماد اعمال می‌کند.

نظام قضایی لبنان بر قانون ناپلئون^۱ مبتنی است. هیأت منصفه در محاکمات وجود ندارد. نظام دادگاهی لبنان سه مرحله دارد: دادگاه‌های بدوی، دادگاه‌های تجدیدنظر و دیوان تمیز.

همچنین یک نظام دادگاهی مذهبی و ذی‌صلاحی در ارتباط با «احوال شخصیه» وجود دارد که در خصوص موضوعاتی چون ازدواج، طلاق و ارث حاکمیت دارد.

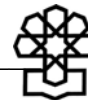


در فواصل سال‌های ۲۷۰۰ - ۴۵۰ قبل از میلاد، لبنان امروزی مرکز شهرهای فنیقی بود. در قرون بعد، کوه‌های لبنان پناهگاهی برای مسیحیان بودند و مبارزان جنگ‌های صلیبی چندین قلعه در آنجا ایجاد کردند. پس از سال ۶۰۰ قبل از میلاد این ناحیه تحت کنترل آشور، ایران و مقدونیه بود. پس از آن لبنان بخشی از امپراتوری روم شد. بین سال‌های ۳۹۵ - ۶۳۴ لبنان بخشی از امپراتوری روم شرقی بود و در سال ۶۳۸ توسط خلفای عرب فتح شد. دیری نگذشت که در سال‌های ۱۰۹۹-۱۲۹۱ حکومت اعراب از بین رفت. وقتی مسیحیان اروپایی قلمرو اورشلیم را تأسیس نمودند، لبنان بخشی از مصر شد. در سال ۱۵۱۶ لبنان توسط امپراتوری عثمانی فتح شد. لبنان در دوره امپراتوری عثمانی در سال ۱۸۶۱ وضعیت خاصی پیدا کرد. به دنبال سقوط امپراتوری عثمانی پس از جنگ جهانی اول، در سال‌های ۱۹۱۷ و ۱۹۱۸، لبنان تحت تصرف فرانسه و انگلستان درآمد و جامعه ملل قیمومت لبنان را تحت عنوان لبنان بزرگ به فرانسه سپرد. قانون اساسی جدید لبنان در سال ۱۹۲۶ تهیه شد که در واقع مبین موازنه قدرت سیاسی بین گروه‌های مذهبی مختلف بود و موجبات تغییر نام این کشور به جمهوری لبنان را فراهم آورد. این کشور در سال ۱۹۴۳ به استقلال دست یافت و نیروهای فرانسه در سال ۱۹۴۶ عقب‌نشینی نمودند.^۱

نظام سیاسی این کشور براساس اصل نمایندگی برابر برای مسیحیان و مسلمانان بود. تنش‌های فرقه‌ای منجر به یک بحران سیاسی در سال ۱۹۵۷ گردید. در سال ۱۹۵۸، در طول آخرین ماه‌های ریاست جمهوری کمیل شمون، شورشی آغاز شد و نیروهای ایالات متحده به درخواست دولت امریکا به لبنان اعزام شدند. در طول دهه ۱۹۶۰، لبنان از یک دوره آرامش نسبی برخوردار بود و با تمرکز بر بیروت از صنعت گردشگری و موفقیت در بخش بانکداری استفاده می‌برد. در اوایل دهه ۱۹۷۰ بروز مشکلاتی ناشی از حضور پناهندگان فلسطین - که اکثر آن‌ها بعد از جنگ سال ۱۹۶۷ اعراب و اسرائیل و نیز سپتامبر سیاه یعنی خصومت‌های سال ۱۹۷۰ در اردن به لبنان آمدند - این آرامش را تهدید کرد. به همراه مشکل فلسطینی‌ها، اختلافات میان مسلمانان و مسیحیان شدت بیشتری گرفت. در سال ۱۹۷۵ یک جنگ داخلی گسترده آغاز شد. در سال ۱۹۷۶ سران عرب در ریاض و قاهره طرحی برای پایان دادن به جنگ تنظیم کردند. در نتیجه، نیروی بازدارنده اعراب که شامل نیروهای سوریه‌ای حاضر در لبنان بود برای کمک به مبارزان جداگانه وارد لبنان شد. با ایجاد بی‌ثباتی در بیروت، شرایط امنیتی در جنوب متزلزل شد. اسرائیل در سال ۱۹۷۸ به خاک لبنان تجاوز کرد و بیشتر نواحی جنوب رودخانه لیتانی را اشغال نمود. نیروهای اسرائیلی در اواخر همان سال عقب‌نشینی کردند و مواضع داخل لبنان در کنار مرز را به یک اتحاد لبنانی یعنی ارتش جنوب لبنان واگذار نمودند.

حوادث بسیاری منجر به حمله سال ۱۹۸۲ اسرائیل به داخل لبنان به‌منظور حذف نیروهای سازمان آزادیبخش فلسطین شد. در آن سال میانجیگری ایالات متحده امریکا منجر به خروج

1. A Short history of Lebanon, <http://www.islawk> atalog, Uni-leipzig.de.



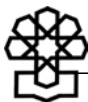
نیروهای سوریه و مبارزان سازمان آزادیبخش فلسطین از بیروت شد. توافقنامه حاصله نیز استفاده از یک نیروی چند ملیتی را مقرر می‌کرد. در آن زمان رئیس‌جمهور بشیر جمیل^۱ با حمایت اسرائیل انتخاب شد و در همان سال نیز به قتل رسید، در نتیجه نیروهای اسرائیل به منظور تحکیم نیروهای جنگجوی غیرنظامی مسلمان وارد غرب بیروت شدند. با حمایت ایالات متحده، امین جمیل - که توسط پارلمان لبنان به جانشینی برادرش به عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شد - مجدداً به عقب‌نشینی نیروهای اسرائیل و سوریه پرداخت؛ در نتیجه در سال ۱۹۸۴ آن‌ها لبنان را ترک کردند. در فواصل سال‌های ۱۹۸۵-۱۹۸۹ کشمکش فرقه‌ای با شکست تلاش‌های مختلف به منظور آشتی ملی شدت یافت و نبرد سنگینی موسوم به «جنگ اردوگاه‌ها»^۲ در سال‌های ۱۹۸۵ - ۱۹۸۶ صورت گرفت.

این جنگ در سال ۱۹۸۷- زمانی که جنگجویان غیرنظامی امل در صدد خروج فلسطینی‌ها از قلعه‌های لبنانی برآمده و فلسطینی‌ها، چپ‌گراها و دروزی‌ها نیز علیه امل متحد شده بودند - به بیروت کشید و در نهایت منجر به مداخله بعدی سوریه شد.

جنگ با موافقتنامه طایف در سال ۱۹۸۹ به پایان رسید. در آن زمان آقای رنه موواد^۳ به ریاست جمهوری انتخاب شد و در همان سال نیز به قتل رسید.

پس از وی، آقای الیاس هراوی^۴ به ریاست جمهوری منصوب شد و تا سال ۱۹۹۸ به حکومت خود ادامه داد. در سال ۱۹۹۱ جنگجویان غیرنظامی (به استثنای حزب‌ا...) منحل شدند. بی‌ثباتی سیاسی و اجتماعی بعد از جنگ، همراه با عدم اطمینان اقتصادی و سقوط ارزش پول لبنان منجر به استعفای نخست‌وزیر عمر کرامین^۵ در سال ۱۹۹۲ بعد از کم‌تر از ۲ سال نخست‌وزیری شد. نخست‌وزیر قبلی رشیدالصلح^۶ جانشین وی شد. در سال ۱۹۹۲ پارلمان جدیدی انتخاب شد و نخست‌وزیر رفیق حراری^۷ دولت تشکیل داد. اگرچه لبنان رسماً مستقل است، اما در واقع تحت حمایت سوریه بوده و نمی‌توان آن را کاملاً مستقل یا یک دمکراسی حقیقی دانست. در سال ۱۹۹۸ امیل جمیل لحد^۸ به ریاست جمهوری انتخاب شد. آقای سلیم الحوس^۹ نخست‌وزیر شد، اما حراری در سال ۲۰۰۰ دوباره به نخست‌وزیری رسید. اسرائیل در سال ۲۰۰۰ به عقب‌نشینی نیروهایش از جنوب لبنان مبادرت ورزید. در سال ۲۰۰۴ پارلمان دوره شش‌ساله ریاست جمهوری امیل جمیل لحد را تا ۹ سال تمدید کرد.^{۱۰}

1. Bashir Gemayel
2. War of the Camps.
3. Rene Moawad
4. Elias Hrawi
5. Omar Karamiin
6. Rashid al Sulh
7. Rafiq Hariri
8. Imil Jamil Lahhud
9. Salim al-Hoss
10. Ibid



لبنان، جمهوری متشکل از یک رئیس‌جمهور، یک کابینه و مجلس ملی واحد است. تا سال ۱۹۹۰ یک توافق غیرکتابی موسوم به «میثاق ملی» مقرر می‌کرد که رئیس‌جمهور باید مسیحی مارونی، نخست‌وزیر مسلمان سنی، رئیس مجلس مسلمان شیعه و فرمانده نیروهای مسلح دروزی باشد؛ کرسی‌های پارلمانی نیز بین فرقه‌های مختلف و طبق نسبت شش به پنج مسیحی به مسلمان تقسیم می‌شدند. کابینه، قوه قضائیه و پست‌های نظامی نیز به همین صورت بودند. پارلمان دارای اختیارات قانونگذاری است و رئیس‌جمهور را برای یک دوره شش ساله غیرقابل تمدید انتخاب می‌کند. به موجب تجدیدنظرهایی که براساس پیمان صلح در سال ۱۹۹۰ در قانون اساسی صورت گرفت، بسیاری از اختیارات رئیس‌جمهور به یک کابینه نیمه مسیحی و نیمه مسلمان منتقل شد و نخست‌وزیر مسلمان باید احکام ریاست جمهوری را امضا کند. انتخابات پارلمانی در سال ۱۹۹۶ برگزار شد. از آن پس لبنان به پنج فرمانداری تقسیم شد که هر یک توسط یک فرماندار می‌شوند که در واقع نماینده دولت مرکزی بود.

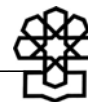
اولین انتخابات نهاد قانونگذاری لبنان پس از ۲۰ سال در تابستان سال ۱۹۹۲ انجام گرفت. مجلس ملی، مجلس واحد پارلمان لبنان است که رئیس آن نیز یک مسلمان شیعه است. مجلس ملی متشکل از ۱۲۸ نماینده است که نیمی مسیحی و نیمی مسلمان هستند.

رئیس‌جمهور، که معمولاً یک مسیحی مارونی است، نخست‌وزیر - که یک مسلمان سنی است - و کابینه، قوه مجریه را تشکیل می‌دهند.

چهار دادگاه عالی (سه دادگاه برای پرونده‌های مدنی و تجاری و یک دادگاه برای پرونده‌های کیفری).

قانون اساسی و میثاق ملی مشترکاً چارچوب جمهوری پارلمانی لبنان را تشکیل می‌دهند. قانون اساسی قوای مهم حکومت را معین می‌سازد: قوه مجریه، قوه مقننه و قوه قضائیه مستقل. رئیس‌جمهور که نخست‌وزیر را انتخاب می‌کند خود به وسیله مجلس ملی، یعنی نهاد قانونگذاری انتخاب می‌شود. اگرچه این نظام مشابه دمکراسی غربی است، اما به علت وجود میثاق ملی و مشروعیتش در قانون اساسی، رئیس‌جمهور، وزراء و نمایندگان نه به عنوان نمایندگان ملت، بلکه به عنوان اعضای جوامع فرقه‌گرا عمل می‌کنند.

در اوایل دهه ۱۹۲۰، جامعه ملل تقاضا کرد که مقامات قیمومت فرانسه با همکاری رهبران محلی و مطابق با منافع فرقه‌های مذهبی مختلف، قانونی را برای لبنان طراحی کنند. در نتیجه، در ژوئیه



سال ۱۹۲۵ دولت فرانسه کمیسیونی را مأمور کرد که تا پانزدهم می سال ۱۹۲۶ طرح پیش‌نویس قانون اساسی را تهیه نماید. شورای نمایندگان که در واقع نهاد منتخب رهبران لبنانی بود و به عنوان مجلس مؤسس عمل می‌کرد طرح پیش‌نویس قانون اساسی را در بیست و سوم ماه می همان سال تصویب نمود.

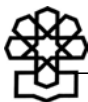
اگرچه بسیاری از مورخان و سیاستمداران لبنانی مدعی‌اند که قانون اساسی در وهله اول به وسیله رهبران محلی و برای انعکاس منافع صرف لبنانی طراحی شد، اما یادداشت‌های مجلس مؤسس حاکی از نقش عمده نمایندگی فرانسه است. به‌گونه‌ای که وی حق وتوی هرگونه اصلاحیه بر طرح را داشت و دستور جلسه را نیز کنترل می‌کرد. در واکنش به سلطه فرانسه، نمایندگان مسلمان طی جلساتی تصریح نمودند که نه تنها مخالف توسعه حدود لبنان مسیحی بوده، بلکه خواستار ایجاد لبنانی بزرگ‌تر و مشتمل بر نواحی مسلمان‌نشین هستند.

قانون اساسی پس از تکمیل، به شش فصل تقسیم شد. یکی از آن فصول محتوی چهار اصل مربوط به قیمومت فرانسه و جامعه ملل بود. با این اصول، فرانسه کنترل کامل سیاسی بر کشور را حفظ می‌نمود. از لحاظ تئوریک مأمور عالی‌رتبه فرانسه دارای وظایف مشورتی و نظارتی در مواقع عادی بود، اما در عمل وی قدرت برتر را اعمال می‌کرد. نیروهای مسلح تحت کنترل فرانسه در سرتاسر کشور مستقر شدند. اگرچه نقش ظاهری آن‌ها مطلع ساختن مأمور عالی‌رتبه از وضعیت سیاسی محلی بود، اما در واقع آن‌ها بر اعمال اداری - اجرایی محلی نفوذ زیادی داشتند. بنابراین طی سال‌های ۱۹۲۶ زمان تصویب قانون اساسی و ۱۹۴۶ وقتی که سرانجام فرانسه همه وظایف و اختیارات خود را به دولت لبنان منتقل کرد، این دولت فرانسه بود که بر اجرای قانون اساسی نظارت می‌نمود. مأمور عالی‌رتبه فرانسه در عمل طی سال‌های ۱۹۳۲ تا ۱۹۳۷ و نیز در شروع جنگ جهانی دوم چندین بار اجرای قانون اساسی را معلق کرد.^۱

قانون اساسی اگرچه محدودیت‌هایی را می‌پذیرد، اما بر آزادی و مساوات تأکید دارد. آزادی بیان، اجتماعات و انجمن‌ها در عرض حدود مشخص شده قانونی برای همه لبنانی‌ها تضمین شده است. همچنین مقرراتی برای آزادی عقیده و اعمال هر نوع پرستش وجود دارند؛ البته تا حدی که احترام مذاهب مختلف و نظم عمومی را تحت تأثیر قرار ندهند.

تناقضات صریحی در قانون اساسی دیده می‌شوند. به‌عنوان مثال: اگرچه اصول ۷ و ۱۲ تساوی حقوق مدنی و سیاسی در دسترسی مساوی به مناصب عمومی براساس استحقاق را مقرر می‌دارند، اما اصل ۹۵ تعهد دولت به فرقه‌گرایی مذهبی را تصریح می‌کند، بدون تعیین آن‌که این تعهد چگونه باید انجام شود. اصل ۹۵ در واقع میثاق ملی را مشروعیت می‌بخشد.

اصلاحات بر قانون اساسی ممکن است به وسیله رئیس‌جمهور یا توسط حداقل ده عضو مجلس ملی تقاضا شود. مجلس ملی می‌تواند با اکثریت دو سوم اصلاحیه‌ای را تصویب کند، هر چند رئیس‌جمهور و کابینه‌اش - که با هم شورای وزیران را تشکیل می‌دهند - دارای حق وتوی هستند که صرفاً توسط روند پیچیده‌ای از طریق مجلس ملی قابل مقابله و ابطال است. مهم‌ترین اصلاحات



در سال ۱۹۴۳ - زمانی که همه ارجاعات به قیومیت فرانسه حذف و زبان عربی به عنوان زبان رسمی ملت معین گردید - ایجاد شدند.

تلاش‌هایی که به منظور اصلاح قانون اساسی صورت می‌گرفت گاهی با مساعدت و نیز با مخالفت همراه بودند. به عنوان مثال؛ در سال ۱۹۴۹ قانون اساسی اصلاح شد تا به رئیس‌جمهور بیشارا الخوری^۱ اجازه تمدید دوره داده شود. نه سال بعد وقتی رئیس‌جمهور کمیل شمون^۲ تقاضای اصلاح قانون اساسی برای تمدید دوره‌اش را نمود، با مخالفت شدیدی در سراسر کشور روبه‌رو شد.

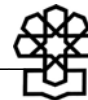
میثاق ملی (میثاق الوطنی) یک توافق غیرکتبی است که در تابستان ۱۹۴۳ و در نتیجه جلسات متعدد بین خوری^۳ (یک مارونی) اولین رئیس‌جمهور و ریاض‌الصلح^۴ (یک سنی) اولین نخست‌وزیر لبنان به وجود آمد. این میثاق نظام فرقه‌ای حکومت را به موجب قیومت فرانسه با رسمی کردن توزیع فرقه‌ای^۵ مناصب سطح بالا در حکومت براساس آمار سال ۱۹۳۲ با نسبت شش به پنج نفع مسیحیان تقویت نمود.

نظام فرقه‌ای مذکور در میثاق ملی یک موضوع مصلحتی بود و اقدام موقتی برای غلبه بر اختلاف نظرات فلسفی^۶ بین رهبران مسیحی و مسلمان محسوب می‌شد. پس از سال‌ها اختلافات سیاسی مکرر که مهم‌ترین آن‌ها در جنگ داخلی ۱۹۵۸، جدال‌های فلسطین در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ و نیز جنگ داخلی ۱۹۷۵ تبلور یافت به شکست میثاق ملی به عنوان راهی به سوی یکپارچگی اجتماعی گواهی دادند.

به علاوه، برخی ناظران مدعی‌اند که میثاق ملی صرفاً قدرت نخبگان را تقویت می‌کرد؛ به گونه‌ای که به همراه نظام حامی پروری زعمای^۷ بقای وضع موجود و ادامه امتیاز برای نخبگان فرقه‌ای را تضمین نمود.

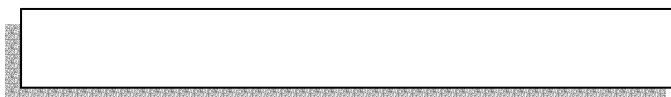
در جوامع چند حزبی، سیستم حمایت حزبی^۸ (جانبداری حزبی) غالباً ویژگی مشترک هر روند سیاسی است. اگرچه سیستم حمایت در کشورهای توسعه یافته و کمتر توسعه یافته نیز به طور مشابهی شایع است، اما حامی‌پروری زعمای در لبنان ممکن است بیش‌تر از اکثر ملل دیگر استقرار یافته باشد. نفوذ این نظام در لبنان به راحتی تا زمان فئودالیسم قابل پیگیری بوده است، در حالی که

1. Bishara al Khuri
2. Camille Shamun
3. National pact
4. Khuri
5. Riyad as Sulh
6. Confessional System
7. Philosophical Divisions
8. The System of Zuama Clientelism
9. Patronage



در دوران اخیر، این نظام اجتماعی به یک نظام سیاسی تبدیل شده است. برخی معتقدند که پیروپروری زعما در سطح ملی ممکن است ستیز فرقه‌ای را کاهش داده باشد. رقابت سیاسی اغلب بین فرقه‌ها دیده می‌شود تا بین اعضای گروه‌های مختلف. از آن جایی که برخی از نواحی انتخاباتی لبنان از نظر فرقه‌گرایی مذهبی مشابه بودند (اگرچه اکثراً دارای برتری فرقه‌ای خاصی بودند) معمولاً یک نامزد نمی‌تواند انتخاب شود، مگر آن که توسط دیگر گروه‌های فرقه‌ای در ناحیه‌اش مورد حمایت قرار گیرد.

بنابراین در سال ۱۹۸۷ نظام سیاسی مبتنی بر قانون اساسی لبنان باید از میان پوشش حامی‌پروری زعما نگریسته می‌شد؛ نظامی که بیش از یکصد سال خود را به شکلی از اشکال حفظ کرده بود.^۱

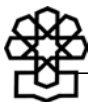


پارلمان لبنان فقط از یک مجلس به نام مجلس ملی تشکیل شده است که اعضای آن طبق اصلاحات به عمل آمده در قانون اساسی لبنان در سال ۱۹۹۰ شامل ۱۲۸ نماینده می‌شوند. این نمایندگان برای مدت چهار سال و با رأی عمومی و مستقیم مردم تحت قانون انتخابات مصوب سال ۱۹۹۹ و براساس نظام نمایندگی تناسبی با رأی اکثریت مطلق انتخاب می‌گردند. ۱۲۸ کرسی مجلس به طور مساوی بین جوامع مسیحی و مسلمان تقسیم می‌شود. کرسی‌های اختصاص یافته به هر جامعه بین فرقه‌های مختلف به نسبت سهم‌شان از جمعیت لبنان توزیع می‌گردد و مردم از میان فهرست‌های حزبی مختلف - که هر یک طبق تخصیص از قبل مشخص شده کرسی‌ها بین فرقه‌ها تنظیم شده‌اند - به انتخاب می‌پردازند. رأی‌دهندگان می‌توانند هر تعداد از اسامی را که مایلند از فهرست حزبی حذف نمایند و در نهایت حتی به یک نامزد رأی دهند. نامزدی که در یک حوزه انتخابیه بتواند بیش‌ترین تعداد آرای رأی‌دهندگان را در میان نامزدهای یک فرقه از یک استان یا منطقه کسب نماید، در انتخابات پیروز شده و چنانچه دو نامزد دارای آرای مساوی باشند، نامزد مسن‌تر برنده خواهد بود.

تمامی لبنانی‌هایی که دارای ۲۱ سال تمام هستند و در لبنان اقامت دارند می‌توانند در انتخابات مجلس شرکت کرده و نمایندگان خویش را انتخاب کنند؛ مشروط بر این که از حقوق مدنی و سیاسی کامل بهره‌مند باشند. زیرا به موجب ماده (۱۰) قانون انتخابات افراد مشروحه ذیل از حق شرکت در انتخابات محروم هستند:

۱. اشخاصی که از حقوق مدنی یا از حق داشتن مناصب و مشاغل عمومی به طور دائم محروم شده‌اند،

1. Lebanon law & Government: Zaim clientelism, <http://www.int.org/lb/Lebanese.html>.



۲. اشخاصی که به دلیل ارتکاب جرائم موهن محکومیت قطعی داشته‌اند؛ این جرائم عبارتند از: سرقت، کلاهبرداری، صدور چک بلامحل، خیانت در امانت، شهادت کذب، هتک حرمت، ارباب، تزویر، استفاده از سند مجعول و نیز جرائم پیش‌بینی شده در باب هفتم قانون کیفری لبنان از جمله: جرائم فرهنگی و جرائم مربوط به تولید و تجارت مواد مخدر،
۳. اشخاص ورشکسته،
۴. اشخاصی که ممنوعیت قضایی دارند تا پایان ممنوعیت،
۵. اشخاصی که به مجازات‌های مقرر در مواد (۳۲۹) تا (۳۳۴) قانون کیفری لبنان محکوم شده‌اند.

هر لبنانی یا کسی که تابعیت لبنان را حداقل از ده سال قبل از انتخابات پذیرفته باشد به شرط داشتن ۲۵ سال سن و سواد خواندن و نوشتن و بهره‌مندی از حقوق کامل مدنی می‌تواند نامزدی خود را برای نمایندگی مجلس اعلام نماید.

طبق قانون انتخابات لبنان افراد مشروحه ذیل نمی‌توانند به نمایندگی مجلس انتخاب شوند، اما استثنائاً نمایندگی مجلس و وزارت مانعه‌الجمع نیستند:

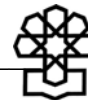
۱. نظامیان و افرادی که نظامی محسوب شوند از جمله نیروهای امنیتی و پلیس،
۲. برخی مستخدمان کشوری و مقامات عمومی از جمله قضات، رئیس یا عضو شورای اداری یک مؤسسه عمومی یا هر کارمند مؤسسات عمومی مستقل یا شهرداری‌ها و به طور کلی هر شخصی که به لحاظ شغل عمومی حق دریافت حقوق از خزانه عمومی را دارد.

هر فرد که شرایط لازم جهت نمایندگی مجلس را داشته باشد می‌تواند نامزدی خود را در هر یک از حوزه‌های انتخابیه اعلام نماید و این کار باید حداقل تا ۱۵ روز قبل از انتخابات صورت گیرد. هیچ‌یک از نامزدها نمی‌توانند در یک زمان در بیش از یک حوزه انتخابیه اعلام نامزدی نمایند.

هر کسی که در انتخابات اعلام نامزدی کند باید مبلغ ده میلیون لیره لبنانی به صندوق دارایی بسپارد که در صورت موفقیت در انتخابات این سپرده به آنان مسترد خواهد شد. نامزدهایی که موفق به کسب بیش از ده درصد آرای حوزه انتخابیه مربوطه شوند نیز می‌توانند سپرده خود را مسترد دارند.^۱

به منظور انجام انتخابات عمومی، لبنان به پنج فرمانداری یعنی کوه لبنان، شمال، جنوب، بیروت و بکا تقسیم می‌گردد که هر یک از این فرمانداری‌ها به نوبه خود به چندین حوزه تقسیم می‌شوند.

۱. قانون انتخابات، دسامبر ۲۰۰۴، ص ۱۰.



بنابراین تعداد حوزه‌های انتخابیه در لبنان در حال حاضر برابر با ۱۴ حوزه می‌باشد.^۱ نحوه تقسیم کرسی‌های مجلس بین حوزه‌های انتخابیه هر فرمانداری به شرح ذیل تعیین شده است:

- الف) فرمانداری کوه لبنان (حوزه اول ۸ کرسی، حوزه دوم ۸ کرسی، حوزه سوم ۱۱ کرسی و حوزه چهارم ۸ کرسی)،
ب) فرمانداری شمال (حوزه اول ۱۱ کرسی و حوزه دوم ۱۷ کرسی)،
ج) فرمانداری جنوب (حوزه اول ۱۲ کرسی و حوزه دوم ۱۱ کرسی)،
د) فرمانداری بیروت (حوزه اول ۶ کرسی، حوزه دوم ۶ کرسی و حوزه سوم ۷ کرسی)،
هـ) فرمانداری بکا (حوزه اول ۱۰ کرسی، حوزه دوم ۷ کرسی و حوزه سوم ۶ کرسی).

به منظور آن که هر متقاضی شرکت در انتخابات بتواند در شعبه اخذ رأی حضور یافته و رأی خود را به صندوق بیاندازد، لازم است تا نام او در فهرست انتخابات حوزه انتخابیه مربوطه ثبت شده باشد. اعلام این فهرست‌ها توسط اداره کل ثبت احوال در ۱۵ دسامبر هر سال شروع می‌شود که پس از انتشار و انجام اصلاحات مورد نیاز و انتشار فهرست قطعی در ۳۰ مارس سال بعد خاتمه می‌یابد. این فهرست قطعی به مدت یک سال کامل قابل استفاده جهت انجام انتخابات خواهد بود.

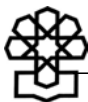
بررسی تقاضاهای اصلاح فهرست‌های انتخاباتی از وظایف کمیسیون‌های ثبت است که تحت ریاست یک قاضی و مرکب از یکی از رؤسای شوراهای شهری حوزه انتخابیه یا یکی از اعضای این شوراها تشکیل می‌شوند و مأمور اداره ثبت احوال وظیفه مخبر را بر عهده خواهد داشت.

این کمیسیون‌ها اطلاعات مختلفی که از دفتر فنی اداره کل ثبت احوال و اداره محکومیت‌های قضایی و نیز محاکم قضایی دریافت می‌کنند را بررسی نموده و سپس فهرست‌های انتخاباتی را با توجه به اطلاعات حاصله تنظیم و منتشر می‌کنند. بدین ترتیب هر یک از رأی‌دهندگان می‌توانند از دم فوریه هر سال نسبت به تصحیح هرگونه اشتباه در فهرست‌های انتخاباتی به کمیسیون ثبت مربوطه اعتراض نمایند. رأی کمیسیون ثبت در کمیسیون‌های عالی ثبت که برای هر حوزه انتخابیه تشکیل می‌شوند قابل تجدیدنظر است.

به هر حال پس از اعلام تصمیم کمیسیون‌های عالی ثبت، فهرست‌های انتخاباتی قطعی توسط اداره امور سیاسی و اداری کل کشور برای برگزاری انتخابات قابل استفاده خواهد بود.

انتخابات عمومی در مدت ۶۰ روز قبل از پایان دوره مجلس انجام می‌گیرد؛ مگر در صورت انحلال که در این شرایط انتخابات باید حداکثر ظرف مدت سه ماه از تاریخ انحلال انجام شود. انتخابات در یک روز در تمام حوزه‌ها برگزار می‌شود که معمولاً روز یکشنبه از ساعت ۷ صبح الی ۸ بعدازظهر

1. Loi Electorale parlementaire, <http://www.electionworld.org>.



خواهد بود. چنانچه برگزاری انتخابات در یک روز در تمام حوزه‌ها به دلایل امنیتی یا هر دلیل مهم دیگری قابل اجرا نباشد می‌توان یک یا چند تاریخ مشخص را برای هر حوزه تعیین کرد. مشروط بر آنکه انتخابات در تمام حوزه‌ها در مهلت پیش‌بینی شده فوق‌الذکر برگزار شود.^۱

به دستور وزیر کشور در هر حوزه انتخابیه چندین شعبه اخذ رأی برقرار می‌گردد. ملاک تعیین هر شعبه اخذ رأی وجود حداقل یکصد نفر در محل مورد نظر است. چنانچه جمعیت هر روستا یا شهری از یکصد نفر متجاوز باشد به ازای هر ۴۰۰ نفر حداقل یک شعبه اخذ رأی تشکیل می‌شود. هر فرماندار در قلمرو فرمانداری خویش برای شعب اخذ رأی یک رئیس، چهار معاون و یک یا چند دفتردار را حداقل پنج روز پیش از برگزاری انتخابات تعیین می‌کند تا به رئیس شعبه اخذ رأی کمک کنند. رئیس و حداقل نیمی از معاونانش طبق قانون موظفند در طول مدت انتخابات در شعبه حضور داشته باشند و اجرای مقررات با رئیس شعبه خواهد بود.^۲ نیروهای مسلح حق ورود به شعبه اخذ رأی را ندارند؛ مگر آنکه رئیس شعبه تقاضا کرده باشد.

رأی‌دهندگان موظفند کارت انتخاباتی عکس‌دار خود را که تا هفت روز قبل از تاریخ انتخابات توزیع می‌شود را تهیه نموده و هنگام ورود به شعب اخذ رأی ارائه نمایند، در غیر این صورت حتی اگر نامشان در فهرست انتخاباتی ذکر شده باشد، حق رأی دادن نخواهند داشت.^۳

رأی‌دهندگان پس از ورود به شعبه اخذ رأی و تطبیق مشخصات آنها با فهرست‌های انتخاباتی و تصدیق مراتب توسط رئیس شعبه، اسامی نامزدهای مورد نظر خویش را روی کاغذهای سفیدی که روی میز در اختیار آنان قرار دارد، نوشته و سپس این ورقه‌ها را در پاکت‌های مخصوصی که حاوی تاریخ و مهر فرماندار هستند، قرار می‌دهند.

تعداد پاکت‌های ممهور موجود در شعبه باید مطابق تعداد اسامی مذکور در فهرست رأی‌دهندگان باشد. چنانچه به هر دلیل تعداد پاکت‌های ممهور کم‌تر از تعداد رأی‌دهندگان مجاز باشد، رئیس شعبه می‌تواند از پاکت‌های سفیدی که در اختیار دارد استفاده نماید و پس از مهر کردن آنها را در اختیار رأی‌دهندگان قرار دهد.

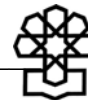
رأی‌دهندگان سپس به تنهایی در باجه مخصوصی که در شعبه اخذ رأی تعبیه شده است، قرار گرفته و پاکت حاوی ورقه رأی خود را به صندوق می‌اندازند.

اقدامات فوق به منظور جلوگیری از هرگونه تقلب در انتخابات و نیز محرمانه نگهداشتن آرا صورت می‌گیرند.

1. قانون انتخابات، دسامبر ۲۰۰۴، ص ۱۲.

2. Loi Electorale Parlementaire: Conditions pour etre Electeur. [http:// www. Election world.org](http://www.Electionworld.org).

3. Ibid.



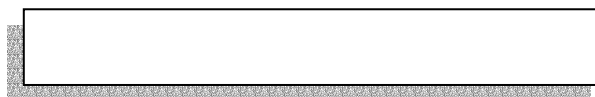
پس از خاتمه زمان رأی‌گیری و بسته شدن درب شعبه اخذ رأی، صندوق رأی باز می‌شود و آرا در حضور نامزدها یا نمایندگان آنها شمارش و استخراج می‌شوند و آرای باطله تفکیک می‌گردند. سپس رئیس شعبه نتایج حاصله را که در واقع نتایج موقت محسوب می‌شوند، در صورتجلسه‌ای درج نموده و به همراه دیگر اوراق از قبیل پاکت‌های اضافی و آرای باطله به کمیسیون ثبت مربوطه ارسال می‌نماید.

کمیسیون ثبت پس از بررسی صورتجلسه و اسناد مربوطه و نیز شمارش و استخراج آرای هر نامزد نتیجه کارش را در قالب صورتجلسه‌ای با جداول ضمیمه که به امضای تمامی اعضا رسیده است، برای کمیسیون عالی در حوزه انتخابیه مذکور ارسال می‌نماید.

کمیسیون عالی به نوبه خود پس از بررسی صورتجلسه و جداول ضمیمه آن و نیز کنترل آرای هر نامزد، نتیجه نهایی شمارش آرای مأخوذه را به فرماندار تسلیم می‌کند. فرماندار صورتجلسه نهایی را در اختیار وزیر کشور می‌گذارد تا نتایج انتخابات و اسامی نامزدهای منتخب را از طریق رسانه‌ها به اطلاع عموم برساند.

در حال حاضر متولی برگزاری انتخابات وزیر کشور است که از طریق فرمانداران، مأموران وزارت کشور، کمیسیون‌های ثبت و کمیسیون‌های عالی و با همکاری اداره ثبت احوال این کار را انجام می‌دهد و هیچ کمیته انتخاباتی ملی‌ای برای نظارت بر جریان انتخابات وجود ندارد. قابل ذکر است که شورای قانون اساسی صرفاً در صورت دریافت شکایات درخصوص انتخابات می‌تواند موضوع را بررسی و تصمیم مقتضی اتخاذ نماید که قطعی و لازم‌الاجرا خواهد بود.

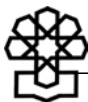
البته در سال ۱۹۹۶ یک سازمان غیردولتی به نام انجمن «لبنانی برای انتخابات دموکراتیک»^۱ تشکیل شد تا انتخابات را کنترل کرده و با انجام پژوهش و تحقیقات لازم، اصلاحاتی بر قوانین انتخاباتی لبنان پیشنهاد نماید. اعضای این سازمان از طبقات مختلف هستند از جمله؛ روزنامه‌نگاران، دانشگاهیان، فعالان سیاسی و حقوقدانان. در واقع این سازمان تأسیس یک کمیسیون انتخاباتی مستقل ملی را جهت نظارت بر انتخابات پیشنهاد کرده است.^۲



لبنان دارای یک پارلمان تک مجلسی () است که طبق قانون جاری ۱۲۸ عضو دارد و برای یک دوره چهار ساله انتخاب می‌شوند. کرسی‌های مجلس به طور مساوی بین مسیحیان و

1. Lebanese Association for Democratic Elections.

2. قانون انتخابات، دسامبر ۲۰۰۴، ص ۱۷.



مسلمانان، به تناسب جوامع و مناطق دو گروه، تقسیم می‌شوند و نمایندگان براساس قانون انتخاباتی که قبلاً متذکر شدیم، با رأی عمومی مستقیم انتخاب می‌شوند.

در شروع هر دوره مجلس، رئیس سنی اولین جلسه را به منظور انتخاب هیأت رئیسه - که مرکب از یک رئیس، یک نایب رئیس، دو منشی و سه کارپرداز است - تشکیل می‌دهد. رئیس و نایب رئیس و دو منشی با رأی مخفی نمایندگان و با اکثریت مطلق آرا در دو مراحل اول و با اکثریت نسبی در مرحله سوم انتخاب می‌شوند. انتخاب سه کارپرداز با رأی اکثریت نسبی صورت می‌گیرد و در کلیه حالات فوق در صورت تساوی آرا، مسن‌ترین فرد انتخاب می‌شود. وزرا نمی‌توانند به عضویت هیأت رئیسه مجلس درآیند.^۱

رئیس مجلس دارای اختیارات ذیل است:

- نمایندگی مجلس و اظهارنظر به نمایندگی از طرف مجلس،
- نظارت بر اعمال مقررات قانون اساسی و نظامنامه داخلی مجلس،
- ریاست بر نشست‌های مجلس،
- حفظ نظم و اعمال ضمانت اجرای لازم.

در صورتی که رئیس مجلس غایب یا ممنوع از وظایف خود باشد، نایب رئیس وظایف او را برعهده خواهد گرفت.

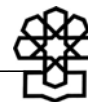
دو منشی عضو هیأت رئیسه، وظایف ذیل را برعهده دارند:

- کمک به رئیس در ثبت اسامی نمایندگانی که تقاضای صحبت دارند،
- استخراج آرا،
- کنترل نگارش و تنظیم صورتجلسه‌های مربوط به هر نشست.

هیأت رئیسه مجلس علاوه بر وظایف فوق‌الذکر، وظایف دیگری را به شرح ذیل انجام می‌دهند:

- بررسی مذاکرات مربوط به محتویات صورتجلسه نشست‌ها،
- اداره نشست‌ها، رأی‌گیری و اعلام نتایج آن،

1. نظامنامه داخلی مجلس ملی، ۱۸ نوامبر ۱۹۹۴، ص ۲۷.



- تعیین دستور جلسه برای هر نشست،
- اعلام دستور جلسه به نمایندگان به همراه یک نسخه از طرح‌ها و پیشنهادهای،
- تنظیم بودجه سالانه مجلس و نظارت بر اجرای آن،
- تعیین و اصلاح چارچوب‌ها و مقررات مربوط به مأموران اداری و انتظامی مجلس،
- بررسی درخواست‌ها و شکایات.

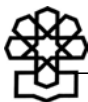
مطابق مفاد اصول (۱۹) و (۳۰) قانون اساسی، تصویب اعتبارنامه نمایندگان بر عهده شورای قانون اساسی است.

مجلس لبنان سالانه دو نشست عادی به مدت دو ماه و نیم تشکیل می‌دهد. اولین نشست در اولین سه‌شنبه بعد از ۱۵ مارس شروع و در آخر ماه می خاتمه می‌یابد. نشست دوم در اولین سه‌شنبه بعد از ۱۵ اکتبر شروع و تا پایان سال (آخر دسامبر) خاتمه می‌یابد. قابل ذکر است که دومین نشست بیش از هر چیزی به بحث و رأی‌گیری در مورد بودجه اختصاص دارد. نشست‌های مجلس علنی هستند؛ مگر آن‌که به تقاضای دولت یا حداقل ۵ نماینده تصمیم گرفته شود که به صورت غیرعلنی تشکیل جلسه دهند، در این صورت حتی کارمندان اداری نیز حق حضور نخواهند داشت. برای هر نشست صورتجلسه‌ای خلاصه به انضمام گزارشی مفصل تنظیم می‌گردد، البته به استثنای نشست‌های غیرعلنی که تابع آیین‌نامه خاصی هستند.^۱

مجلس فعلی لبنان دارای ۱۶ کمیته دائمی است که عبارتند از:^۲

۱. کمیته مالی و بودجه با ۱۷ عضو،
۲. کمیته حقوقی با ۱۷ عضو،
۳. کمیته امور خارجه و مهاجرین با ۱۷ عضو،
۴. کمیته خدمات عمومی، حمل و نقل، انرژی و آب با ۱۷ عضو،
۵. کمیته بهداشت، کار و امور اجتماعی با ۱۲ عضو،
۶. کمیته فرهنگ، آموزش و تحقیقات با ۱۲ عضو،
۷. کمیته دفاع ملی، امور داخلی و شهرداری‌ها با ۱۷ عضو،
۸. کمیته امور حوادث با ۱۲ عضو،
۹. کمیته کشاورزی و گردشگری با ۱۲ عضو،

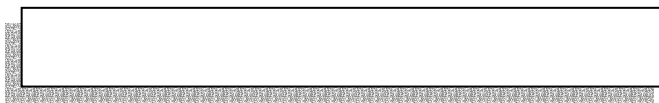
۱. مهدی رستگار اصل، قانون اساسی لبنان، نهاد ریاست جمهوری، دفتر توافقات بین‌المللی، ۱۳۸۰، اصل سی و دوم، ص ۴۰.
۲. Parliamentary Committes, [http:// www. Arabdecision. Org](http://www.Arabdecision.Org).



۱۰. کمیته اقتصاد ملی، تجارت، صنعت و برنامه‌ریزی با ۱۲ عضو،
۱۱. کمیته ارتباطات با ۱۲ عضو،
۱۲. کمیته حقوق بشر با ۱۲ عضو،
۱۳. کمیته محیط زیست با ۱۲ عضو،
۱۴. کمیته جوانان و ورزش با ۱۲ عضو،
۱۵. کمیته زنان و کودکان با ۱۲ عضو،
۱۶. کمیته فناوری و اطلاعات با ۹ عضو.

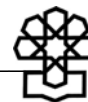
کار کمیته‌های پارلمانی تاکنون محدود بوده است، به‌گونه‌ای که صرفاً به مرور و بررسی لوایح و طرح‌های پیشنهادی و نظارت بر فعالیت‌های وزرا می‌پردازند. به دلیل منابع بسیار محدود، برای کمیته‌های دائمی پارلمان امکان‌پذیر نیست که به طور متوالی و همزمان وظایف قانونگذاری و نظارتی‌شان را اعمال کنند. همچنین بدون اختیارات تحقیقاتی، کار این کمیته‌ها احتمالاً به هیچ نتیجه مهمی منتهی نخواهد شد. اگر چه نظامنامه پارلمان اجازه ایجاد کمیته‌های تحقیقاتی ویژه بدون اختیارات قضایی را می‌دهد، اما از سال ۱۹۴۳ تاکنون از این امتیاز به ندرت استفاده شده است.^۱

در سال ۱۹۸۵ مرکز مطالعاتی و پژوهشی جدیدی در پارلمان ایجاد شد تا در همه موضوعات ارجاعی توسط رئیس مجلس، کمیته‌های دائمی، نمایندگان و دیگر بخش‌های پارلمان بتواند مشورت دهد و عهده‌دار پژوهش، مطالعه و جمع‌آوری اطلاعات و آمار لازم برای نمایندگان در اجرای وظایف‌شان باشد. متأسفانه این واحد تاکنون چندان فعال نبوده است و فعالیت اصلی آن صرفاً محدود به انتشار یک فصلنامه تحت عنوان «زندگی پارلمانی» بوده است.



اختیارات و صلاحیت‌های پارلمان لبنان همچون اختیارات و صلاحیت‌های عمومی دیگر پارلمان‌های جهان عبارتند از: قانونگذاری، بررسی و تصویب بودجه کشور و نظارت. البته مجلس لبنان از اختیار قانونگذاری ویژه‌ای نیز بهره‌مند است که به اصلاحات در قانون اساسی مربوط می‌شود. اصل ۷۷ قانون اساسی لبنان به پارلمان اختیار داده است تا تجدیدنظر در قانون اساسی را تقاضا، بررسی و تصویب نماید. این اقدام در نشست عادی و به پیشنهاد رئیس‌جمهور یا حداقل ده نماینده امکان‌پذیر است، اما برای آغاز بحث درخصوص پیشنهاد مذکور موافقت دو سوم اعضای مجلس الزامی است.

1. Parliamentary Committees, <http://www.medialeb.com>.



طبق نظامنامه داخلی مجلس لبنان، اعضای کمیته‌ها از میان نمایندگان انتخاب می‌شوند، اما رئیس مجلس و نایب رئیس و نیز وزرا نمی‌توانند به عضویت کمیته‌ها درآیند. حضور در جلسات کمیته‌ها اجباری است و هر عضوی که سه مرتبه بدون عذر موجه غیبت نماید، مستعفی محسوب خواهد شد. هیچ یک از نمایندگان نمی‌توانند به عضویت بیش از دو کمیته پارلمانی درآیند؛ مگر آن که کمیته سوم کمیته زنان و کودکان یا کمیته حقوق بشر باشد. هر کمیته دائمی یا ویژه می‌تواند از میان اعضایش کمیته‌های فرعی را به منظور بررسی موضوعات معین انتخاب کند. کمیته‌ها می‌توانند در خصوص کارشان بر روی لوایح از وزیران مربوطه دعوت نمایند تا به همراه اسناد و مدارک لازم در جلسه کمیته حضور یابند و به سؤالات آنان پاسخ گویند. نمایندگان نیز حق دارند در جلسات کمیته‌هایی که عضویت آن را ندارند حضور یافته و در بررسی موضوعات مورد بحث مساعدت نمایند. تصمیم کمیته‌ها به اکثریت اتخاذ می‌شود و در صورت تساوی آراء، رأی رئیس کمیته قاطع خواهد بود.

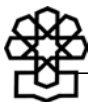
کمیته‌ها یک ماه فرصت خواهند داشت تا نظراتشان را در مورد پیش‌نویس قوانین و هر موضوع ارجاعی دیگر اعلام کنند و این فرصت در مورد لوایح و طرح‌های فوری فقط دو هفته می‌باشد. در پایان این مهلت رئیس مجلس موضوع را به کمیته‌های مشترک و مجلس می‌دهد، حتی اگر زمان بررسی توسط کمیته مربوطه به پایان نرسیده باشد.

اگر لایحه یا طرح قانونی در صلاحیت بیش از یک کمیته باشد، کمیته‌های مربوطه تشکیل جلسه مشترک داده و یک کمیته مشترک ایجاد می‌کنند. رئیس مجلس نیز می‌تواند به صلاحدید خویش یا به تقاضای حداقل پنج نماینده هر موضوعی را به کمیته‌های مشترک ارجاع نماید. در واقع می‌توان گفت نقش کمیته‌ها در وهله اول مشورتی است، لذا کار کمیته‌ها با ارائه توصیه به مقام مربوطه و پایان بررسی و گزارش به رئیس مجلس خاتمه می‌یابد.

فرایند قانونگذاری در پارلمان لبنان مراحل مختلفی دارد. قوانین ابتدا به صورت لوایح از طرف دولت یا به صورت طرح‌های قانونی از سوی حداقل ده نماینده تقدیم هیأت رئیسه مجلس می‌شوند. به موجب ماده (۱۰۳) نظامنامه داخلی مجلس، استرداد لوایح دولت قبل از رأی‌گیری نهایی مجاز نیست؛ مگر با تقدیم یک حکم دیگر از طرف رئیس‌جمهور. اگر چه طرح‌های قانونی پیشنهادی از سوی نمایندگان را می‌توان با نظرات کتبی نماینده پیشنهاددهنده طرح به رئیس مجلس استرداد نمود.

دولت و نمایندگان مجلس حق دارند به طرح‌ها و لوایح خود ویژگی یک فوریتی یا دو فوریتی بدهند و خواستار رسیدگی مجلس با رعایت این ویژگی باشند. در این صورت مجلس نیز ابتدا درخصوص قبول یا رد فوریت لایحه یا طرح تصمیم‌گیری خواهد نمود.

رئیس مجلس لایحه یا طرح قانونی را پس از وصول به کمیته یا کمیته‌های صلاحیتدار ارجاع می‌کند. در نیم ساعت اول هر نشست، نمایندگان حق دارند به مدت سه دقیقه به تفسیر و اعلام نظر درباره موضوع مورد بحث بپردازند، سپس مجلس به بحث و بررسی در خصوص موضوعات



مندرج در دستور جلسه می‌پردازد.

ابتدا لایحه یا طرح قانونی موضوع بحث و گزارش کمیته مربوطه و نیز اصلاحات پیشنهادی کمیته قرائت می‌گردد. سپس به نمایندگان موافق و مخالف که نامشان قبل از شروع نشست به ثبت رسیده است اجازه صحبت داده می‌شود و در ادامه به نمایندگانی که در جریان نشست چنین تقاضایی داشته‌اند، مجال سخنرانی داده می‌شود.

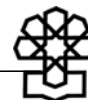
چنانچه رئیس مجلس نیز خواستار شرکت در بحث باشد و در مقابل طرح یا لایحه‌ای اعلام موضع نماید باید تریبون هیأت رئیسه را ترک نموده و ریاست نشست را به نایب رئیس یا مسن‌ترین نماینده حاضر بسپارد و در کنار نمایندگان بنشیند. در طول مباحثات به نمایندگان دولت، مخبرهای کمیته‌های مربوطه و پیشنهاددهندگان طرح‌ها، طبق نظامنامه داخلی مجلس مجال صحبت داده می‌شود.

طبق ماده (۷۵) نظامنامه داخلی مجلس لبنان، رئیس مجلس در موارد ذیل حق منع سخنران از ارائه سخنرانی را خواهد داشت:

۱. چنانچه بدون اجازه رئیس صحبت کند،
 ۲. اگر نام رئیس‌جمهور را بدون ذکر لقب وی خطاب نماید یا به مقام وی بی‌احترامی کند،
 ۳. چنانچه الفاظی به کار برد که به احزاب، گروه‌ها، کمیته‌های مجلس یا یکی از نمایندگان توهین شود،
 ۴. چنانچه به زندگی خصوصی سایرین بی‌احترامی نماید،
 ۵. در صورتی که با الفاظ زنده به یک فرد یا نهاد حمله کند، مگر آن‌که مستند آن حکم قضایی قطعی باشد،
 ۶. از موضوع سخنرانی خارج شود،
 ۷. اگر حقایق و وقایع مربوط به یک موضوع در جریان تحقیق یا مطروحه در دادگاه را فاش کند،
 ۸. در صورت خاتمه مهلت سخنرانی.
- در سایر شرایط نمی‌توان صحبت سخنران را قطع نمود، مگر به موجب تصمیم مجلس. هر نماینده‌ای حق دارد پیشنهاد خاتمه بحث درخصوص هر موضوعی را ارائه کند، مشروط بر این‌که حداقل دو نماینده دیگر با آن موافق باشند یا آن را رد کرده باشند یا تقاضای اصلاحش را نموده باشند؛ به استثنای موضوعات مربوط به قانون اساسی، رأی اعتماد به دولت و شور بودجه عمومی. پیشنهاددهنده و حداکثر دو نماینده به ترتیب به مدت پنج دقیقه حق ارائه پیشنهاد یا انتقاد نسبت به موضوع یا طرح مربوطه را دارند. چنانچه خاتمه بحث حائز اکثریت شود، موضوع مطرح شده فوراً به رأی گذاشته خواهد شد.

بعد از پایان بحث عمومی، مجلس به بررسی و رأی‌گیری ماده به ماده می‌پردازد. قبل از به رأی گذاشتن یک لایحه یا طرح قانونی، مجلس حق عودت آن را به کمیته موردنظر (که قبلاً به بررسی آن پرداخته) یا به کمیته‌ای دیگر یا به یک کمیته مشترک جهت بررسی مجدد دارد.

رأی‌گیری طرح‌های قانونی با بلند کردن دست و ماده به ماده صورت می‌گیرد و پس از



رأی‌گیری هر ماده، موضوع به طور کلی برای رأی‌گیری با اعلام نام هر نماینده مطرح می‌شود. در صورت تردید در نتیجه رأی‌گیری با بلند کردن دست و با تقاضای حداقل پنج نماینده، رأی‌گیری جدید با روش «قیام و قعود» یا به «روش اعلام اسم» انجام خواهد گرفت. اگر مجلس قانونی را تصویب کند آن قانون به هیأت وزیران ارجاع می‌گردد تا نخست‌وزیر و وزیران مربوطه آن را امضا کرده، سپس به منظور اعلام و انتشار در روزنامه رسمی برای رئیس‌جمهور ارسال کنند.

نشست اکتبر مجلس ملی لبنان معمولاً به بررسی لایحه بودجه کشور که توسط دولت ارائه می‌شود اختصاص دارد، در جریان بحث و شور درخصوص لایحه بودجه، مجلس نمی‌تواند بدون موافقت دولت اعتبارات پیشنهادی را به هیچ وجه افزایش دهد. اما این اختیار را دارد که پس از تصویب بودجه، قوانین را برای پوشش مخارج جدید تصویب نماید.

مجلس می‌تواند اعتبارات پیش‌بینی شده در لایحه بودجه را حذف یا کاهش دهد یا آن‌ها را از ماده‌ای به ماده دیگر یا از بخش یا فصلی به بخش یا فصل دیگر انتقال دهد. در روند بررسی لایحه بودجه، مجلس ابتدا هزینه‌ها و سپس درآمدها را اتخاذ می‌نماید.

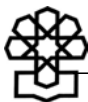
مجلس نمی‌تواند یک بخش یا وظیفه‌ای که توسط قانون جاری نهادینه شده است را با حذف اعتبارات پیش‌بینی شده برای آن در بودجه ملغی نماید.

رأی‌گیری لایحه بودجه به صورت ماده به ماده انجام خواهد شد. چنانچه بررسی بودجه در پایان نشست اکتبر خاتمه نیابد، رئیس‌جمهور مجلس را بلافاصله به یک جلسه فوق‌العاده که آخر ژانویه تمام می‌شود برای پیگیری و بررسی بودجه دعوت می‌کند.

طبق اصل (۳۹) قانون اساسی، نمایندگان مجلس را نمی‌توان به دلیل ابراز عقاید و نظرات‌شان در طول دوره نمایندگی تحت تعقیب قرار داد. همچنین طبق اصل (۴۰) قانون اساسی، در جریان نشست مجلس تعقیب کیفری علیه یک نماینده و نیز بازداشت وی دال بر اتهام به یک جرم کیفری امکان‌پذیر نیست؛ مگر با مجوز مجلس و به استثنای دستگیری در جرائم مشهود.

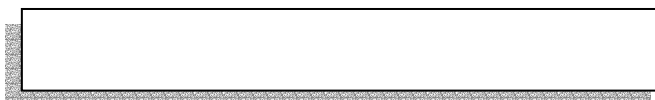
با توجه به اصول فوق‌الذکر، در صورت ارتکاب جرم توسط یک نماینده، وزیر دادگستری باید تقاضای تحت پیگرد قرار دادن وی را با تشریح نوع جرم، مکان و تاریخ ارتکاب و نیز خلاصه دلایلی که مستلزم انجام اقدامات فوری است به رئیس مجلس ارائه نماید تا مجلس درخصوص حذف مصونیت نماینده مذکور تصمیم‌گیری نماید.

رئیس مجلس پس از دریافت تقاضای حذف مصونیت یک نماینده، هیأت رئیسه، کمیته اداری و قضایی را به یک نشست مشترک جهت بررسی این تقاضا دعوت می‌کند و این کمیته باید گزارش خود را ظرف مهلت دو هفته ارائه نماید. چنانچه کمیته مشترک گزارش خود را تا مهلت مقرر ارائه



نکند، رئیس مجلس باید این موضوع را در اولین نشست به مجلس اعلام نماید و مجلس می‌تواند به کمیته مشترک مهلت بیش‌تری داده یا بلافاصله به بحث درخصوص موضوع بپردازد. رأی‌گیری در مورد تصمیم به حذف مصونیت یک نماینده با رأی اکثریت نسبی اخذ می‌شود. البته کمیته مشترک و مجلس هنگام بررسی تقاضای حذف مصونیت باید اهمیت پیگرد را مورد توجه قرار داده و اطمینان کسب نمایند که تقاضای مذکور دال بر مقاصد سیاسی و جلوگیری از انجام فعالیت پارلمانی نماینده مذکور نبوده است.^۱

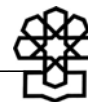
اگر نماینده‌ای به دلیل ارتکاب جرم مشهود خارج از جلسات یا قبل از انتخابش تحت تعقیب قرار گیرد، این پیگرد در طول نشست‌های بعدی نیز بدون اجازه مجلس ادامه می‌یابد. البته وزیر دادگستری باید مجلس را در اولین نشست مطلع سازد و مجلس حق دارد در صورت نیاز و طبق گزارش کمیته مشترک تصمیم بگیرد که پیگرد علیه نماینده را متوقف نموده و وی را تا پایان نشست در آزادی مشروط قرار دهد.



به منظور انجام وظیفه نظارت، نمایندگان مجلس می‌توانند از طریق طرح پرسش‌های کتبی یا شفاهی از هر یک از وزرا یا دولت به طور کلی موضوعات موردنظر خود را مطرح نمایند. چنان‌چه سؤال‌کننده از پاسخ واصله قانع نشود یا پاسخی در ظرف مهلت مقرر دریافت نگردد، وی می‌تواند پرسش خود را به درخواست استیضاح تبدیل نماید. حدنصاب لازم برای استیضاح با حداکثر آرا $\frac{2}{3}$ نمایندگان صورت می‌گیرد. استیضاح ممکن است مستقیماً و ابتدائاً توسط نمایندگان مجلس تقاضا شود. این تقاضا توسط رئیس مجلس برای دولت ارسال می‌گردد که دولت باید حداکثر ظرف مدت ۱۵ روز از تاریخ دریافت به آن پاسخ دهد؛ مگر آن که به دلیل ضرورت تحقیق و کسب اطلاعات دقیق‌تر مستلزم تمدید مهلت پاسخگویی باشد. در جلسه مربوط به استیضاح ابتدا طراح استیضاح و سپس نماینده دولت یا وزیر مربوطه صحبت می‌کنند. اگر طراح استیضاح از پاسخ وزیر یا نماینده دولت اقتناع شود، رئیس مجلس خاتمه بحث را اعلام می‌نماید؛ در غیر این صورت موضوع رأی اعتماد و رأی‌گیری مطرح خواهد شد، به‌گونه‌ای که رأی‌گیری با اعلام نام از بین کلمات اعتماد، عدم اعتماد و ممتنع به عمل می‌آید؛ البته آرای ممتنع در شمارش اکثریت محسوب نخواهند شد.

در سال ۱۹۹۳ و در اجرای اصل (۱۹) قانون اساسی لبنان که پیرو توافقنامه ۱۹۸۹ طایف و به موجب اصلاحات سال ۱۹۹۰ به وجود آمده بود، شورایی به نام شورای قانون اساسی تشکیل شد که دو وظیفه اصلی برعهده دارد:

1. Parliament Immunity, <http://www.leps-lebanon.org/web/english>.



۱. تطبیق قوانین مصوب مجلس با قانون اساسی

۲. رسیدگی به تعارضات و شکایات راجع به انتخابات مجلس و ریاست جمهوری. این شورا با توجه به ویژگی‌هایش در واقع نوعی محکمه قانون اساسی مستقل با ویژگی قضایی محسوب می‌شود.

شورای قانون اساسی از ده عضو تشکیل می‌گردد. پنج تن از اعضای این شورا توسط مجلس ملی و با اکثریت مطلق آرا انتخاب می‌شوند. چنانچه در مرحله اول رأی‌گیری این اکثریت حاصل نگردد، در نوبت دوم رأی‌گیری اکثریت نسبی رأی‌دهندگان کفایت خواهد کرد. پنج عضو دیگر شورای قانون اساسی توسط هیأت وزیران و با اکثریت دو سوم اعضا انتخاب می‌شوند.^۱

اعضای شورای قانون اساسی از میان صاحب منصبان قضایی، اساتید رشته حقوق و وکلای دادگستری اعم از شاغل یا بازنشسته با حداقل ۲۰ سال سابقه کار انتخاب می‌گردند. بدیهی است اعضای شاغل در طول مدت دوره عضویت در شورای قانون اساسی از شغل اصلی‌شان منفک و معلق خواهند شد و در پایان دوره با همان عنوان قبلی به شغل اصلی خویش برمی‌گردند. اعضای دولت، نمایندگان مجلس یا هر مقام دولتی دیگر را نمی‌توان به عضویت شورای قانون اساسی انتخاب نمود.

دوره عضویت در شورای قانون اساسی شش سال است که قابل تمدید و کاهش نخواهد بود و از تاریخ انجام مراسم تحلیف توسط همه اعضا آغاز می‌گردد. شورا پس از انجام مراسم تحلیف و در اولین جلسه یکی از اعضا را به عنوان رئیس و یک نفر را به عنوان نایب رئیس برای یک دوره سه ساله قابل تمدید از طریق رأی مخفی و با رأی اکثریت مطلق در نوبت اول و اکثریت نسبی در نوبت دوم انتخاب می‌کند.

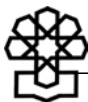
شورای قانون اساسی به دعوت رئیس یا نایب رئیس یا استثنائاً به دعوت سه نفر از اعضایش تشکیل جلسه می‌دهد که حضور حداقل هشت عضو برای رسمیت جلسه لازم است. تصمیمات شورای قانون اساسی با اکثریت حداقل هفت نفر در مسائل مربوط به تطبیق قوانین با قانون اساسی و اکثریت نسبی اعضای حاضر در مسائل مربوط به انتخابات اتخاذ می‌شود. در صورت تساوی آرا، رأی رئیس جلسه قاطع خواهد بود.

تصمیمات شورای قانون اساسی قطعی بوده و برای تمامی مقامات عمومی و محاکم قضایی و اداری لازم‌الاجرا می‌باشند.

رئیس جمهور، رئیس مجلس ملی، رئیس هیأت وزیران یا حداقل ده نماینده حق دارند از شورای قانون اساسی درخصوص موضوع مطابقت قوانین با قانون اساسی سؤال کنند.^۲

۱. قانون تأسیس شورای قانون اساسی، ۱۴ ژوئیه ۱۹۹۳، ص ۴۳.

۲. قانون تأسیس شورای قانون اساسی، ۱۴ ژوئیه ۱۹۹۳، ص ۴۶.



رؤسای جوامع مذهبی می‌توانند از شورای قانون اساسی صرفاً در مورد وضعیت شخص، آزادی عقیده، آزادی مذهب و آموزش آن سؤال نمایند.

مقامات صلاحیتدار فوق‌الذکر باید عرضحال خویش را تا ۱۵ روز بعد از انتشار قانون در مجله رسمی، تسلیم شورای قانون اساسی کنند.

به محض این‌که عرضحال در دفتر شورا به ثبت رسید، رئیس یا نایب رئیس بلافاصله اعضای شورا را به بررسی در مورد تعلیق اجرای موضوع عرضحال دعوت می‌نماید؛ چنان‌چه پس از بررسی تصمیم به تعلیق قانون مذکور بگیرند این تصمیم در روزنامه رسمی منتشر می‌شود. سپس رئیس شورا یکی از اعضای شورا را انتخاب می‌کند تا گزارشی درباره موضوع مورد بحث تهیه و حداکثر ظرف مدت ۱۰ روز به شورا ارائه نماید.

به محض دریافت این گزارش، رئیس شورا یک کپی از گزارش را به هر عضو شورا می‌دهد تا ظرف پنج روز آن را مطالعه نموده و برای اخذ تصمیم نهایی تشکیل جلسه دهند. تصمیم شورا باید ظرف مدت ۱۵ روز اتخاذ و اعلام شود؛ در غیر این صورت با گذشت مهلت مقرر، قانون مورد شکایت تصویب شده تلقی خواهد شد.

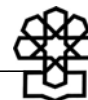
شورا باید در تصمیم خود مطابقت یا عدم مطابقت قانون با قانون اساسی را چه جزئی و چه کلی، اعلام کند و چنان‌چه آن را کاملاً یا به طور جزئی مغایر با قانون اساسی تشخیص دهد باید حدود ابطال آن را به طور کلی یا جزئی مغایر مشخص نماید.

شورای قانون اساسی صلاحیت انحصاری برای بررسی اعتبار انتخابات ریاست جمهوری و ریاست مجلس ملی را داراست؛ مشروط بر این که حداقل یک سوم از نمایندگان مجلس ظرف ۲۴ ساعت پس از اعلام نتایج شمارش آرا تقاضایی در این خصوص به شورای قانون اساسی تسلیم کنند.

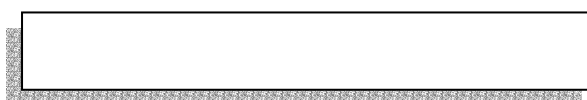
به محض دریافت چنین تقاضایی، شورا به دعوت رئیس جلسه علنی تشکیل می‌دهد و موظف است نظر خود را ظرف سه روز اعلام نماید. تصمیم شورا در این مورد حداقل با اکثریت هفت رأی در نوبت اول و اکثریت مطلق در نوبت دوم اخذ خواهد شد. سپس برحسب مقررات، تصمیم متخذه به رئیس جمهور، رئیس مجلس ملی و رئیس هیأت وزیران اطلاع داده شده و در روزنامه رسمی منتشر می‌شود.

یکی دیگر از وظایف شورای قانون اساسی اعلام نظر در خصوص اعتبار انتخابات مجلس است. هر نامزد شکست خورده در انتخابات می‌تواند در مهلت سی روز بعد از تاریخ اعلام نتایج رأی‌گیری در حوزه انتخابیه مربوطه، عرضحال خود را به شورای قانون اساسی تسلیم نماید. این عرضحال باید مشتمل بر نام متقاضی، حوزه انتخابیه وی، نام رقیب انتخاب شده و دلایل لازم جهت بی‌اعتباری انتخاب رقیب بوده باشد و در دفتر شورا نیز به ثبت برسد. این عرضحال به هیچ وجه اثر تعلیقی نسبت به رقیب انتخاب شده ندارد و به محض دریافت به اطلاع رئیس مجلس و وزیر کشور خواهد رسید.

همچنین یک کپی برای رقیب انتخاب شده ارسال می‌گردد تا بتواند ظرف ۱۵ روز هرگونه پاسخ خود را ارائه نماید.

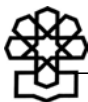


به منظور انجام تحقیقات مؤثر، رئیس شورا از وزیر کشور می‌خواهد که تمامی صورتجلسات، اسناد و اطلاعاتی را که در اختیار دارد برای شورا ارسال نماید. سپس پرونده را کلاً در اختیار یکی از اعضا قرار می‌دهد تا پس از بررسی کامل گزارش خود را ظرف سه ماه به شورا ارائه کند.^۱ پس از دریافت گزارش مذکور، شورا باید ظرف مدت یک ماه تصمیم‌گیری نماید. چنانچه تصمیم شورا مبنی بر رد صلاحیت فرد موردنظر باشد، می‌تواند نتایج حاصله و نمایندگی وی را باطل نماید و نامزدی را که پس از وی حائز اکثریت آرا گردیده است را به نمایندگی اعلام نماید یا برگزاری انتخابات جدید برای اشغال کرسی خالی را تقاضا کند. این تصمیم به رئیس مجلس، وزیر کشور و تمامی اشخاص ذی‌نفوذ اعلام خواهد شد.



نظام سیاسی لبنان مبتنی بر اصل تفکیک، توازن و همکاری قواست و این امر در قانون اساسی مورد تأکید قرار گرفته است. به منظور بررسی رابطه قوه مقننه با قوه مجریه ابتدا به عناصر تشکیل‌دهنده، نحوه انتخاب، وظایف و اختیارات آن اشاره خواهد شد. قوه مجریه از رئیس جمهور، نخست‌وزیر و هیأت وزیران تشکیل می‌شود که نحوه انتخاب و اختیارات هر یک به طور خلاصه به شرح ذیل است:

همان‌گونه که انتظار می‌رود به دلیل اهمیت و نقش مؤثر زعیم، لبنانی‌ها وجود یک رهبر ملی مقتدر را پذیرفته‌اند. در این راستا قانون اساسی نیز اختیارات گسترده‌ای به رئیس جمهور اعطا نموده است. از مهم‌ترین اختیارات رئیس جمهور این است که می‌تواند نخست‌وزیر و هیأت وزیران را نصب یا عزل نماید، قوانین مصوب مجلس را برای انتشار اعلان کند، هر قانونی را پیشنهاد کند، لوایح فوری را به مجلس بفرستد، مصوبات مجلس را وتو کند و دوباره به مجلس بازگرداند، مجلس ملی را منحل کند و به طور کلی نفوذ قابل توجهی در کل نظام اداری داشته باشد. با وجود اختیارات ناشی از قانون اساسی، رئیس جمهور تحت فشار ضرورت کسب همکاری اکثریت زعمای جوامع فرقه‌ای مختلف قرار دارد. به علاوه از آنجایی که رئیس جمهور طبق عرف یک مارونی است، باید تلاش کند که هماهنگ با نخست‌وزیر - که طبق عرف یک مسلمان سنی است - کار کند. رئیس جمهور و نخست‌وزیر برجسته‌ترین اعضای قوه مجریه هستند و نفوذ مستقیم و شخصی بر نمایندگان دیگر رهبران سیاسی دارند. رئیس جمهور توسط مجلس ملی برای یک دوره شش ساله انتخاب می‌گردد که به طور متوالی



قابل تمدید نیست، اما در دوره‌های غیرمتوالی می‌تواند به ریاست جمهوری انتخاب شود. دوره شش ساله رئیس جمهور در ۲۳ سپتامبر شروع می‌شود. سی تا شصت روز قبل از این تاریخ رئیس مجلس ملی درخواست تشکیل جلسه ویژه برای انتخاب رئیس جمهور جدید را می‌دهد. برای تشکیل این جلسه حد نصاب دو سوم نمایندگان لازم است. اکثریت دو سوم نمایندگان حاضر برای انتخاب در نوبت اول رأی‌گیری ضروری است و در صورت عدم حصول به این حد نصاب، در نوبت دوم رأی‌گیری اکثریت ساده کفایت خواهد کرد.

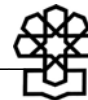
در تئوری، هر کس که استحقاق انتخاب برای مجلس ملی را داشته باشد می‌تواند به ریاست جمهوری انتخاب شود، اما در عمل قبل از جنگ داخلی ۱۹۷۵ معمولاً زعمای قدرتمند مارونی به این سمت انتخاب می‌شدند. به هر حال واقعیت این است که هیچ کس نمی‌توانست بدون حمایت طیف وسیعی از دسته‌بندی‌های فرقه‌ای به ریاست جمهوری انتخاب گردد؛ البته از دهه ۱۹۸۰ این منصب دیگر به عنوان محصول اجماع بین فرقه‌ای تلقی نمی‌شود.^۱

علی‌رغم اختیارات ظاهراً گسترده رئیس جمهور، وی در عمل تحت فشار برخی ملاحظات اجتماعی، سیاسی و مذهبی قرار داشت که در اجرای کامل اختیاراتی که رسماً به وی اعطا شده بود، محدودیت‌های جدی را برای او ایجاد می‌کردند. در کشوری نظیر لبنان که با تقسیمات مذهبی و اجتماعی قوی عجین شده است، نقش و اختیارات رئیس جمهور - که قرار بود کانون اصلی قدرت در جامعه لبنان باشد - صرفاً تا حدی که اجماع سیاسی اجازه دهد، پیش می‌رود. در واقع، استفاده یکجانبه و کنترل نشده و در برخی موارد حتی سوءاستفاده از مقام اجرایی توسط برخی از رئیس‌جمهورها در طول سال‌های متمادی به اعتراضات جدی گروه‌های سیاسی و مذهبی درباره عدم مشارکت در روند سیاسی منجر شد که بدون شک یکی از دلایل جنگ داخلی در لبنان بود. تقاضای مشارکت بیش‌تر مهم‌ترین مسأله‌ای بود که توسط نشست طایف مورد توجه قرار گرفت و با تقویت نقش پارلمان و انتقال مقام اجرایی از رئیس جمهور به هیأت وزیران حل و فصل شد؛ زیرا تمامی گروه‌های سیاسی و مذهبی به طور مساوی در این دو نهاد نماینده دارند.

بررسی روابط قوای مقننه و مجریه در طول سال‌های ۱۹۴۳-۱۹۹۰ نشان می‌دهد که موازنه قدرت به طور آشکار به سوی رئیس جمهور متمایل شده بود. از سال ۱۹۴۳ رئیس‌جمهورهای مختلفی پارلمان را تحت سلطه و کنترل قرار داده‌اند و اغلب آن را در روند حکومت دور زده‌اند. البته پارلمان‌ها نیز از خود آمادگی تسلیم به خواست قوه مجریه نشان داده و به رئیس جمهور این امکان را داده‌اند تا واقعاً هر قانونی که لازم می‌دانستند را به تصویب رسانند تا جایی که برخی سیاستمداران، پارلمان را جزء لاینفک (ضمیمه) قوه مجریه نامیدند و بسیاری نیز از ائتلاف این دو قوه شاکی بودند.

نمونه‌های بسیاری وجود دارد که حاکی از نقش غالب قوه مجریه بر پارلمان هستند. شاید مهم‌ترین نمونه، روند تفویض قانونگذاری باشد که بدان وسیله پارلمان به قوه مجریه اختیار می‌دهد تا از طریق صدور احکام اجرایی به وضع قانون بپردازد. بنابراین عراق نیست اگر گفته شود که برخی از مهم‌ترین سیاست‌ها از طریق صدور احکام اجرایی توسط قوه مجریه به تصویب رسیدند

1. The president in constitution, <http://www.presidency.gov.lb>.



تا از طریق قانونگذاری پارلمان.

از جمله اختیارات مهم رئیس‌جمهور این است که وی می‌تواند با تصویب هیأت وزیران هر لایحه‌ای که به عنوان لایحه فوری به پارلمان تسلیم شده و تا چهل روز مورد عمل پارلمان قرار نگرفته را به عنوان قانون اعلام نماید که در این‌جا می‌توان به ۵۵۷ لایحه‌ای اشاره کرد که در طول سال‌های ۱۹۵۹-۱۹۸۱ بدین روش به صورت قانون درآمدند.^۱

نمونه سوم عبارت است از اختیار رئیس‌جمهور در تقاضای بررسی مجدد هر قانون مصوب پارلمان. یعنی تا زمانی که قانون موردنظر توسط رئیس‌جمهور مورد بررسی مجدد قرار نگیرد و توسط اکثریت مطلق اعضای پارلمان تصویب نشود نمی‌توان آن را به عنوان قانون اعلام کرد، البته بدیهی است که این شرایط به سختی حاصل خواهد شد.

نمونه چهارم، اختیار رئیس‌جمهور در انحلال پارلمان با تصویب هیأت وزیران است. اگرچه این اختیار از سال ۱۹۴۳ تنها دو بار اعمال شد، اما به هر حال تهدید مهمی جهت ارباب پارلمان و تضعیف آن بوده است.

تجربه لبنان در طول دوران ۱۹۴۳-۱۹۹۰ به وضوح نشان می‌دهد که پارلمان لبنان نقش حاشیه‌ای و ناکارآمدی را در وضع قانون و نیز در اعمال نظارت بر فعالیت‌های دولت ایفا کرده است.

نخست‌وزیر توسط رئیس‌جمهور ضمن مشورت با مجلس ملی تعیین می‌شود. اگر چه لازم نیست نخست‌وزیر عضو مجلس ملی باشد، اما اغلب این‌گونه بوده است.

نخست‌وزیر به عنوان بالاترین مقام سیاسی مسلمان می‌تواند اختیارات قابل توجهی داشته باشد، اگر چه اختیارات ناشی از قانون اساسی برای نخست‌وزیر محدود است. نخست‌وزیر رئیس هیأت دولت است و سیاست کلی دولت را اجرا می‌کند. وی هیأت وزیران را برای تشکیل جلسه دعوت می‌کند و دستور جلسه را تنظیم می‌نماید. همچنین بر فعالیت‌های نظام اداری و مؤسسات نظارت دارد.

هیأت وزیران توسط رئیس‌جمهور ضمن مشورت با نخست‌وزیر انتخاب و برای گرفتن رأی اعتماد به مجلس ملی معرفی می‌شوند.

طبق اصل (۶۵) قانون اساسی لبنان مقام اجرایی به هیأت وزیران سپرده شده است. هیأت وزیران سیاست کلی دولت را تنظیم می‌نماید، لوایح قانونی را تهیه می‌کند، بر اجرای قوانین، مقررات و فعالیت‌های شاخه‌های مختلف دولت نظارت می‌نماید، اعضای ارشد نظام اداری را نصب و عزل می‌کند. همچنین موضوعات مهم ملی و موضوعاتی از قبیل اعلام حالت فوق‌العاده، جنگ و صلح، بسیج عمومی، معاهدات بین‌المللی، بودجه سالانه دولت، انحلال مجلس ملی و نظایر آن‌ها مستلزم

1. Azza wehbe, legislative functions of the Arab parliaments: comparative study, <http://www.conseil-constitutiovel.gov.lb>.



تصویب دو سوم اعضای هیأت وزیران هستند.

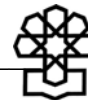
هر لبنانی می‌تواند به وزارت منصوب شود، اما اغلب زعمای قدرتمند این منصب را در اختیار گرفته‌اند. وزارتخانه‌ها تعداد مشخصی نداشتند، بلکه از نظر تاریخی، تعداد آن‌ها بین ۴ تا ۲۲ وزارتخانه در نوسان بوده است که طبق ضرورت کاهش یا افزایش یافته‌اند. حتی گاهی اوقات یک وزیر بیش از یک وزارتخانه را در اختیار داشته است. به‌منظور بررسی رابطه قوه مقننه و قوه مجریه در کشور لبنان باید به نظام‌های سیاسی قبل و بعد از اصلاحات قانون اساسی در سال ۱۹۹۰ توجه نمود.

نظام حکومتی رسمی که از قیمومت فرانسه به ارث رسید در تئوری یک نظام پارلمانی بود، اما در عملکرد واقعی نشان داد که ترکیبی از نظام‌های پارلمانی و ریاستی است. مقام مجریه در اختیار رئیس‌جمهور قرار داشت که از سوی یک کابینه حمایت می‌شد. رئیس‌جمهور کانون اصلی قدرت به شمار می‌رفت و از اختیارات وسیعی برای نصب و عزل نخست‌وزیر، اعضای هیأت وزیران و انحلال پارلمان برخوردار بود. اگرچه هیأت وزیران توسط رئیس‌جمهور تعیین می‌شدند و دوره تصدی آن‌ها متکی به حمایت رئیس‌جمهور بود، اما در مقابل پارلمان مسئول بوده و برای ادامه کار به اعتماد آن نیاز داشتند. از سال ۱۹۴۳ حتی یک مورد دیده نمی‌شود که هیأت وزیران یا یک وزیر در نتیجه رأی عدم اعتماد پارلمان مجبور به استعفا شده باشد.

اصلاحات قانون اساسی که توسط پارلمان لبنان در سپتامبر ۱۹۹۰ صورت گرفت اصولاً مبتنی بر مقررات میثاق آشتی ملی و نیز روح مباحثات موافقتنامه طایف بود. موارد ذیل به طور خلاصه اصلاحاتی را نشان می‌دهند که به روابط قوای مجریه و مقننه و به ویژه به نقش بهبود یافته پارلمان اختصاص دارند:

تغییر اصلی در خصوص قوه مجریه عبارت است از انتقال اکثر اختیارات رئیس‌جمهور به هیأت وزیران که ایجاد یک رهبری گروهی و مشارکت تمامی وزیران در روند تصمیم‌گیری در قوه مجریه را تضمین می‌کند. اگر چه رئیس‌جمهور تاکنون توانسته برخی از اختیارات کم‌اهمیت‌تر را حفظ کند، اما به موجب قانون اساسی جدید قطعاً می‌توان گفت که قدرت اجرایی وی به هیأت وزیران اعطا شده است. تغییرات اصلی پارلمان به منظور گسترش اختیاراتش در مقابل قوه مجریه و ایجاد توازن بیشتر قدرت بین دو قوه صورت گرفت.

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، یک اصل جدید در مقدمه قانون اساسی تصریح می‌کند که نظام سیاسی در لبنان براساس اصل تفکیک قوا، توازن و همکاری میان قوای حکومت بنا شده است. همچنین اصل جدید دیگری صراحتاً بیان می‌کند که لبنان یک جمهوری پارلمانی مردم‌سالارانه است. دوره ریاست رئیس‌مجلس از یک سال به چهار سال افزایش یافت تا با دوره مجلس ملی تطبیق یابد. طبق قانون اساسی جدید رئیس‌جمهور در صورتی می‌توانست به انتخاب نخست‌وزیر مبادرت ورزد که مشروط به مشاوره الزام‌آور رئیس‌جمهور با رئیس و اعضای پارلمان باشد.



از تغییرات مهم دیگر می‌توان به تضعیف قدرت قوه مجریه در انحلال پارلمان با توجه به اصول (۵۵، ۶۶ و ۷۷) قانون اساسی اشاره کرد.

همچنین قوه مجریه اختیار داشت تا طرح‌های فوری عمل نشده توسط پارلمان را در عرض ۴۰ روز به عنوان قانون اعلان کند، اما اصلاحات جدید زمان شروع این مهلت را به زمان تسلیم رسمی طرح به نشست عمومی مجلس تغییر داد. بنابراین از سال ۱۹۹۰ هیچ طرح فوری توسط قوه مجریه به عنوان قانون اعلان نشده است.^۱

رویه تفویض اختیار قانونگذاری که در گذشته به قوه مجریه اجازه می‌داد از طریق صدور احکام اجرایی به وضع قانون بپردازد در طول جلسات طایف به شدت مورد انتقاد قرار گرفت، اما نظر به ماهیت اصلی در قانون اساسی که مقرر می‌دارد: «هیچ قانونی را نمی‌توان بدون تصویب پارلمان اعلان نمود»، تصمیم گرفته شد که صرف اجرای این اصل مانع تخطی احتمالی قوه مجریه خواهد بود. این رویه تقریباً به طور کامل قطع شده است؛ زیرا به هیچ یک از چهار کابینه‌ای که پس از سال ۱۹۹۰ به قدرت رسیدند اختیار وضع قانون اعطا نشد.

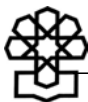
علاوه بر موارد فوق، پارلمان یک مقرر داخلی‌اش را که تقریباً فراموش شده بود را فعال کرده است. این مقرر مستلزم آن است که مجلس بعد از هر چهار نشست منظم یک نشست را به سؤالات، استیضاحات یا بحث عمومی اختصاص دهد.

علی‌رغم نقش و اختیارات گسترش یافته پارلمان، لبنان هنوز هیچ‌گونه پیشرفت قابل توجهی را در نظارت قوه مقننه بر فعالیت‌های دولت مشاهده نکرده است. اعضای پارلمان در لبنان وظیفه اصلی خود را وضع قوانین و اجرای نظارت سیاسی و سیاستگذاری بر دولت می‌دانند. اما تاکنون نظارت بر فعالیت‌های نظام اداری کمتر مورد توجه پارلمان لبنان قرار گرفته است (حتی پس از اصلاحات سال ۱۹۹۰).

قانون اساسی لبنان در مورد کنترل پارلمانی یا نظارت بر نظام اداری عمومی ساکت است، اگر چه میثاق آشتی ملی طایف شامل آیین‌نامه‌ای بود مبنی بر آن‌که: «مجلس ملی مقام قانونگذاری است و نظارت جامعی بر سیاست‌های دولت و فعالیت‌هایش دارد». اصلاحات قانون اساسی در سال ۱۹۹۰ این اصل را به شرح ذیل تغییر داده است: «مقام قانونگذاری باید صرفاً در نهادی به نام «مجلس ملی» خلاصه شود». اصلاً مشخص نیست که چرا پارلمان به تضعیف و کاهش اختیاراتش از این حیث رأی داده است.

به هر حال در نظام‌های پارلمانی، این وظیفه به عنوان بخشی از مسئولیت کابینه در مقابل پارلمان - هم به طور جمعی و هم به طور فردی - محسوب می‌شود و هر یک از وزرا را می‌توان برای عملکرد وزارتخانه‌شان پاسخگو دانست. در لبنان نیز این تفسیر عموماً پذیرفته شده است. نقش نظارتی پارلمان همچنین در نظامنامه‌اش (مواد ۱۵۱-۱۴۷) آمده است که به آن اجازه می‌دهد

1. Ibid.



کمیته‌های خاصی برای هدایت تحقیقات ویژه در هر موضوعی ایجاد نماید و به این کمیته‌ها می‌توان اختیار قضایی هم داد. در ذیل به برخی از ابزارهای نظارتی در پارلمان اشاره می‌شود:

اصل (۶۶) قانون اساسی لبنان مقرر می‌دارد که «وزرا دارای اختیار اداره خدمات عمومی دولتی و اجرای قوانین و مقررات در قلمرو صلاحیتی خویش هستند». همچنین این ماده مقرر می‌کند که «وزرا به طور جمعی به دلیل سیاست عمومی دولت در مقابل پارلمان مسئولند و به طور جمعی به خاطر اعمال شخصی‌شان مسئولیت دارند». اصل (۳۷) قانون اساسی نیز تصریح می‌کند که «هر نماینده حق مطلق دارد تا در هر زمانی در طول یک نشست عادی یا ویژه پارلمان تقاضای رأی عدم اعتماد نماید». اما همان‌گونه که قبلاً ذکر شد، پارلمان لبنان در اعمال این امتیاز در سراسر دوره استقلال قصور کرده است. حتی پس از اصلاحات قانون اساسی در سال ۱۹۹۰ که پارلمان را در روند سیاسی با قوه مجریه به طور مساوی شریک نمود، قوه مقننه اعتمادش را از هیچ کابینه یا وزیری پس نگرفته است.

قانون اساسی مصوب ۱۹۲۶ لبنان مقرر می‌داشت که «مجلس ملی می‌تواند علیه وزیران به دلیل خیانت یا قصور در انجام وظایف‌شان اعلام جرم کند و در صورت اعلام جرم، وزرا توسط دیوان عالی محاکمه خواهند شد». اصلاحات قانون اساسی سال ۱۹۹۰ اختیار اعلام جرم را نیز تا حدی گسترش داد که نخست‌وزیر را نیز در بر بگیرد.

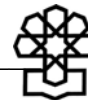
بدین ترتیب این نوع عملکرد ناظر بر ارتباط مستقیم قوه مجریه با قوه قضائیه و از طرفی مبین ارتباط غیرمستقیم قوای مقننه و قضائیه است.

بدیهی است که اعلام جرم آخرین ابزار مورد استفاده در همه نظام‌های مردم‌سالارانه برای تضمین پاسخگویی قوه مجریه است و به ندرت از آن استفاده می‌شود. در لبنان، اعلام جرم به هر دلیلی یک تهدید تو خالی بود؛ زیرا دیوان عالی که در قانون اساسی سال ۱۹۲۶ ذکر شده بود عملاً تا ماه اوت سال ۱۹۹۰ تأسیس نشده بود.

در ضمن اعلام جرم علیه نخست‌وزیر یا هر وزیری بسیار دشوار است؛ زیرا شروع آن مستلزم درخواست ۱۱۵ نماینده مجلس است و تصویب آن با اکثریت آرای دو سوم کل نمایندگان مجلس صورت می‌گیرد.

از سال ۱۹۴۳ هیچ‌گونه تلاشی توسط پارلمان برای اعلام جرم علیه نخست‌وزیر یا هر وزیری صورت نگرفته است. این موضوع تعجب‌آور نیست؛ زیرا در طول همان مدت پارلمان نتوانسته است اقدام ملایم‌تری چون بازپس‌گیری اعتماد از کابینه یا وزیر را نیز اعمال کند.

نظامنامه داخلی پارلمان مقرر می‌دارد که پس از هر چهار نشست عمومی، یک نشست خاص باید به سؤالات، استیضاحات یا بحث عمومی اختصاص داده شود. قبل از سال ۱۹۹۰ این مقررره مورد توجه قرار نمی‌گرفت؛ زیرا پارلمان در موقعیتی نبود که قوه مجریه را به چالش بکشد یا حتی مورد



سؤال قرار دهد یا از فعالیت‌هایش انتقاد کند.

از سال ۱۹۹۰ مقرر مذکور فعال شده و به صورت محدودی به اجرا درآمده است. در فواصل سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۵ پارلمان شش جلسه در خصوص مباحث عمومی برگزار کرد و در آن‌ها نمایندگان دولت را در مورد مسائل مختلف مورد سؤال و انتقاد قرار داد. قابل ذکر است که در آن دوره فقط پنج استیضاح توسط نمایندگان صورت گرفت.

کاملاً بدیهی است که نقش نظارتی پارلمان در لبنان تا به حال محدود بوده است. در واقع، این امر ناشی از نیروها و عوامل مختلفی است که بعضی از مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

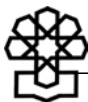
نظارت قوه مقننه بر دولت تا حد زیادی به عدم دسترسی اطلاعات کافی درباره برنامه‌ها و فعالیت‌های قوه مجریه و نظام اداری بستگی دارد. در بسیاری موارد، فقدان اطلاعات نتیجه عدم نگه‌داری اطلاعات توسط دولت است. در موارد دیگر دولت‌ها ممکن است عملاً اطلاعات گمراه‌کننده بدهند تا تصمیمات نهاد قانونگذاری را تحت تأثیر قرار دهند.

فقدان اطلاعات پارلمان در خصوص عملکرد قوه مجریه یکی از مهم‌ترین محدودیت‌های نقش نظارتی پارلمان لبنان است. فقدان اطلاعات ناشی از عوامل مختلفی به ویژه تخریب پایگاه اطلاعاتی اداره مرکزی آمار در طول جنگ است. همچنین از دیگر علل عدم اطلاعات کافی پارلمان نسبت به قوه مجریه، عدم شفاف‌سازی عملکرد دولت لبنان است که از سنت رازداری یا عدم اعتماد ناشی می‌شود. قابل ذکر است که این سنت نشأت گرفته از سیطره فرانسه و حکومت عثمانی بر لبنان است.^۱

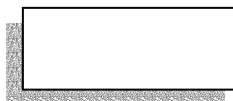
علاوه بر عدم دسترسی به اطلاعات کافی، فقدان منابع انسانی نیز برای نمایندگان در انجام فعالیت‌های پژوهشی بسیار مشکل‌ساز شده است. بنابراین با تخصصی شدن و پیچیدگی بیش‌تر کار دولت، برای یک نماینده بسیار دشوار است که جنبه‌های فنی و مفاهیم ضمنی لوایح مختلف تحت بررسی را به خوبی درک نماید. بدین ترتیب نمایندگان آگاهی لازم و نیز وقت جمع‌آوری اطلاعات درباره فعالیت‌های دولت را ندارند. این نوع کار مستلزم خدمات تمام وقت دستیاران متخصص است که فقط تعداد کمی از نمایندگان چنین متخصصانی را در اختیار دارند.

یکی از موانع اصلی در راه نظارت پارلمانی مؤثر در لبنان عبارت است از روابط دوجانبه نمایندگان و قوه مجریه. نظام سیاسی لبنان هنوز به طور اساسی یک نظام سنتی با نقش محدود برای احزاب سیاسی سازمان یافته جدید است و انتخابات برای پارلمان تا حد زیادی متکی به خدمات خاصی

1. Lebanon: Judiciary, <http://www.pogar.Org/countries/lebaum/judiciary.html>.



است که یک نامزد می‌تواند برای حوزه انتخابیه‌اش تضمین کند و این امر به نوبه خود مستلزم همکاری و حمایت نظام اداری است. همچنین این امر به طور گسترده و اجتناب‌ناپذیری به وابستگی بیشتر وزرا و نمایندگان به چنین خدمات خاصی انجامیده تا بتوانند نفوذ سیاسی خود را حفظ و انتخاب مجدد خود را تضمین کنند. تحت چنین شرایطی بسیار بعید به نظر می‌رسد که نماینده به کنترل و نظارت بر عملکرد دوستان خود در دولت بپردازد.



۱. نهاد ریاست جمهوری، دفتر توافقات بین‌المللی، ۱۳۸۰.
۲. معینی آرانی، مصطفی، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۲.
۳. ۱۸ نوامبر ۱۹۹۴ و آخرین تاریخ اصلاح آن ۳۱ اکتبر ۲۰۰۱.
۴. ۱۴ ژوئیه ۱۹۹۳ و اصلاح آن ۳۰/۱۰/۱۹۹۹.
۵. ۷ اوت ۲۰۰۰.
۶. ۱۱ ژوئیه ۱۹۹۶.
۷. سایت‌های اینترنتی:

<http://www.islawkatalog.Uni-leipzig.de>
<http://www.int.org.lb/lebanese.html>
<http://almashriq.hiof.no>
<http://vsers.ox.ac.uk>
<http://www.presidency.Gov.lb>
<http://www.lp.Gov.lb>
<http://www.lebanonwire.Com/parliament>
<http://www.pogar.org>
<http://www.politinfo.cow/articles>
<http://www.Prominentlebanese.Cow>
<http://www.Conseil-Constitutiovel.gov.lb>
<http://www.electionworld.Org>
<http://www.lamresearch.Cow>



:

: آشنایی با پارلمان لبنان

Report Title: Introducing to Lebanon Parliament

: مطالعات سیاسی

: سارا نراقی - محسن اسماعیلی

: دکتر محمدباقر خرمشاد

: معاونت پژوهشی

— :

— :

:

در انتهای گزارش درج شده است.